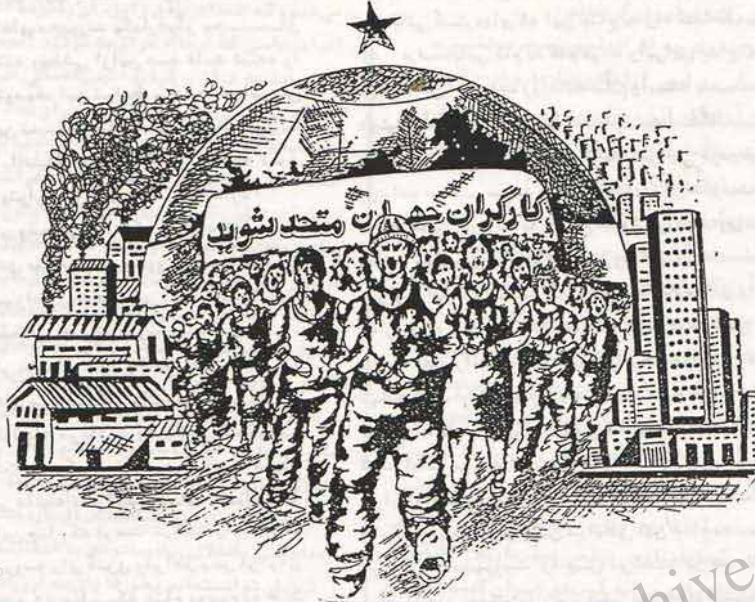


اول ماه مه روز جهانی کارگران گرامی باد

انتخابات مجلس ارتجاع



سرانجام در میان انبوهی از توطئه، کار شکنی، سرکوب و عوامفریبی انتخابات دوره چهارم مجلس ارتجاع در روز ۱۱ فروردین امسال برگزار شد. این انتخابات عرصه حادثترین تضاد بین جناح های تشکیل دهنده حکومت اسلامی بود و از جهت اینکه اولین انتخابات مجلس ارتجاع پس از مرگ خمینی است، برای رژیم اهمیت بنیاد داشت. محافل خبری غرب و بعضی افراسیاسی و امانده ایرانی به این انتخابات از جهت اینکه سبب تقویت قدرت رفسنجانی خواهد شد، بسیار دل بسته بودند. اما تحریم سراسری این انتخابات و عدم شرکت مردم در آن، نشان داد که سمت تحول در جهت گشایش در اوضاع سیاسی جامعه نیست. اگر قرار بود در اوضاع سیاسی جامعه گشایشی بوجود آید، باید نیروهای سیاسی هر چه بیشتری در این انتخابات شرکت می کردند، در حالیکه در این انتخابات برای یکی از مهمترین جناح های تشکیل دهنده حکومت ولایت فقیه نیز عرصه شدت تنگ بود تا چه رسد به شرکت نیروهای سیاسی دیگر. بنابراین این انتخابات را نباید اساسا با انتخاباتی که در این بیان کشور جهان در شرایط کنونی و تحت الزامات "نظم نوین" جهانی در صفحه ۲

در صفحه ۹

حمله هوایی به مقر آگاه شرف

اخراج صلیب سرخ از ایران

در صفحه ۵

کمیته بین المللی صلیب سرخ که برای بازرسی و نظارت بر امور مربوط به رعایت حقوق بشر در ایران از طرف کمیسیون حقوق بشر سازمان ملل متحد به ایران اعزام شده بود، بدستور سردمداران رژیم بهانه های واهی "جاسوسی" و "جمع آوری اطلاعات" از ایران اخراج گردید. روز شنبه اول فروردین ماه رژیم ضد بشری که با تمامی ترقندهای خود موفق به زدوبند و معامله با صلیب سرخ نگردیده بود و برخلاف انتظاراتش در کمیسیون حقوق بشر سازمان ملل متحد نیز بر اساس در صفحه ۵

حمله به سفارت خانه های رژیم

نامه های يك تاجر حقیر

در صفحه ۵

اخیرا نامه های آقای احمد علی بابایی به سفیر رژیم جمهوری اسلامی در آلمان و جواب های سفیر به ایشان منتشر شده است. این نامتنگاری که احتمالا بخشی از مناسبات فیما بین آقای علی بابایی و مامورین رژیم را منعکس می کند، از تاریخ ۱۸ مرداد ۷۰ دیماه ۷۰ صورت گرفته است و شامل هفت نامه ایشان و چهار جواب سفیر رژیم است. مطالعه این نامه ها برای کسانی که هنوز به محتوی واقعی فعالیت های افسرادی مثل آقای علی بابایی پی نبرده و شک و شبهه ای در قبایل شخصیت و منش اینگونه افراد دارند، بسیار آموزنده در صفحه ۶

انتخابات مجلس رژیم باز دید رسانه های خارجی

در صفحه ۴

گزارشی از ترکیه

در صفحه ۹

تکذیب خبر سوء قصدیه

جان مسعود رجوی

بقایای رژیم در هم ریخته آخوندی در روز ۱۲۸ سفند ۷۰ در خبری که از رادیوی خود انتشار دادند، اعلام کردند که دوتن از محافظین آقای مسعود رجوی مسئول شورای ملی مقاومت به جان وی سوء قصد کرده و در نتیجه این عمل دوتیریکی از ناحیه شکم و دیگری از ناحیه پا به ایشان اصابت نموده است. بدنیال اعلام این خبریکی از سخنگویان مجاهدین در بغداد، خبر مزبور را رسا کذب توصیف نمود و علت انتشار چنین شایعاتی از طرف رژیم را بحران های روز افزون رژیم ضد بشری و تنگسپای پیاپی این رژیم در صحنه داخلی و بین المللی از در صفحه ۷

در این شماره:

اخبار کوتاه
اخبار مقاومت
شهادت فدایی
برخی رویدادهای تاریخی

از خبرنامه داخلی رژیم
انتشار نشریه شورا

سرکوب کردها در ترکیه

در نوروز امسال، تظاهرات گسترده ای در شهرهای مختلف کردستان ترکیه برگزار شد. این تظاهرات که به دعوت "حزب کارگران کردستان" ترکیه انجام گرفت با سرکوب وحشیانه دولت ترکیه مواجه شد که طی آن در صفحه ۱۰

انتخابات مجلس ارتجاع

از صفحه ۱

صورت می‌گیرد مقایسه نمود. وقتی سازشکارترین و تسلیم طلب ترین نیروهای سیاسی جامعه که در چارچوبی خارج از دستگاه حاکمه قرار دارند، نمی‌توانند در انتخابات شرکت کنند، وقتی نزدیک ترین یاران امام با اتهاماتی از قبیل فساد مالی و اخلاقی، صلاحیت آنان رد می‌شود، چگونه میتوان از گشایش سیاسی جامعه صحبت کرد. در واقع شرایط برای جناح رفسنجانیسی آنقدر سخت و بحران درون جامعه آنقدر خاداست، که رفسنجانی و خامنه‌ای مجبورند یکبار دیگر بجهان پوسیده امام بیفتند و بخشی از این جسد فاسد شده را قربانی کنند. در توصیف این شرایط سخت و بحرانی بهترین و گویاترین تعبیر را یادگار امام نمود. احمد خمینی در رابطه با انتخابات گفت "امروز جامعه ما بهیچوجه تحمل و توان تنش های سیاسی را ندارد."

بر اساس چنین وضعیتی است که دستگاه حاکمه مجبور است افرادی مثل بیات، موسوی تبریزی، حسینی، غفاری، جامی، بهزادیان، عبدالعلی زاده، اشغز زاده، آقایی، کبیری، خلخالی، حسینی برزنجی، صدقیانی، صالح آبادی، نجفی، بهزاد نبوی و خانم رجائی که جملگی از مهرهای مهم دستگاه حکومتی و از نمایندگان مجلس سوم ارتجاع می‌باشند و هر یک در خدمت به کل دستگاه و شرکت در سرکوب جنبش دمکراتیک مردم ایران نقش مهمی داشته‌اند را حذف نماید و مسلمانان اکثر افراد دیگر این جناح که فرصت شرکت در انتخابات ریا یافته‌اند، طی پیروسی رای گیری و مراحل پس از رای گیری، حذف خواهند شد. بطوریکه جناح موسوم به خط امام، در بهترین حالت، اقلیت بسیار کوچک را در مجلس چهارم ارتجاع تشکیل خواهد داد. نتایج از حوزه‌هایی که تاکنون اعلام شده موبد همین امر است و طبعا این قربانی کردن نتایج و عواقب بسیاری برای دستگاه حاکمه خواهد داشت که رفسنجانی نمی‌تواند این نتایج را در پیروزی در طول یکسال گذشته، رفسنجانی در تضاد بین دو جناح "خط امام" و "بازار" در جهت تقویت موقعیت خود و یارگیری بسود جناح خود، حرکت می‌کند. اما وی در نقاط اساسی، در اتحاد با جناح "بازار" بود. جناح خط امام نمی‌تواند قبول کند که بجای خمینی افرادی مثل رفسنجانی و خامنه‌ای قرار گیرند و این جناح مجبور باشد زیر پرچم اینان قرار گیرد. اشتباه این جناح (اگر بتوان چنین تعبیری بکار برد) در این است که نمی‌خواهد قبول کند که رفسنجانیسی نماینده و ادامه دهنده واقعی خمینی در شرایط کنونی است. مگر نه اینست که برای خمینی حفظ نظام و حکومت آخوندی از هر چیز مهمتر بود و مگر نه اینست که برای خود وی "اسلامیت" و نه "جمهوریت" پیشوی ارزش نداشت. اگر چنین است، پس چه کسی شایسته‌تر از رفسنجانی میتواند ادامه دهنده راه واقعی خمینی باشد. کاری که امروز رفسنجانی انجام میدهد دقیقاً منطبق با رفتار نیست که خمینی با افرادی مثل بازارگان، بنی صدر، قطب زاده و... انجام داد. تنها اختلاف خمینی با رفسنجانی در اینست که رفسنجانی هم بعلت موقعیت فردی و هم بعلت شرایط داخلی و بین المللی نمیتواند به اهدافی که خمینی با حرکاتش بدان دست مییافت، برسد.

گفتیم که این انتخابات، عرصه یکی از خادترین

درگیری های درون دستگاه حکومتی بود. جناحهای مختلف در تمامی عرصهها با هم گلاویزی شدند. علیه هم فحش و دشنام می‌دادند، پرونده‌های همدیگر را رو می‌کردند، به تحریک علیه یکدیگر دست می‌زدند، و به تهدید یکدیگر مبارزتی ورزیدند. اما رفسنجانی از منتهای قبل جناح خط امام از سنگری به سنگر دیگر عقب تشر می‌راند. ابتدای تغییر فرمانداران و سپس با سپردن مساله تعیین صلاحیت نمایندگان به شورای نگهبان. در تمام این مدت چماق دادگاه ویژه روحانیت بالای سرگردانندگان جناح خط امام بود و علیرغم کارزار تبلیغاتی گسترده‌ای که این جناح به راه انداخته بود، رفسنجانی گام به گام عرصه را بر این جناح تنگ می‌کرد. طی این مدت روزنامه سلام وابسته به خمینی ها به یک روزنامه افشاگر علیه دستگاه حکومتی تبدیل شد. اخبار حرکات اعتراضی مردم در این روزنامه منعکس می‌شد، بعضی اخبار درون حکومت، توسط همین روزنامه به اطلاع عموم می‌رسید. روزنامه سلام در موقعیتی قرار گرفت که روزگاری روزنامه میزان و انقلاب اسلامی قرار داشتند. کار بجایی رسید که روزنامه رسالت اعلام نمود که موسوی خمینی ها ولایت فقیه را قبول ندارد. در این حرف، حقیقتی البته نهفته است. وقتی موجودیت ولایت فقیه در شرایط کنونی، با خامنه‌ای و رفسنجانی معنی می‌دهد، معلوم است که نه موسوی خمینی ها و نه بسیاری دیگر از یاران امام نمیتوانند طرفدار ولایت فقیه باشند و طبیعتی است که در چنین شرایطی این جناح بحث مربوط به "جمهوریت" را پیش می‌کشد. این هم البته حرف تازه‌ای نیست. بازارگان و بنی صدر هم در ابتدا از آن عرصه بر آنان تنگ شد، فیلسان یادهندوستان کرد و از آنرا، مردم حرف زدند. در آن موقع افرادی مثل موسوی خمینی ها از "اسلامیت" و اینکه ولایت فقیه رکن تعطیل ناپذیر رژیم است، حرف می‌زدند. مگر خمینی بمثابه ولایت فقیه، بایک فرمان تمام آنچه از رای مردم ناشی میشد را باطل نمی‌کرد. مگر منتظری نگفته بود که اگر ۲۰ میلیون نفر از مردم حرفی بزنند و امام خلاف آن بگوید، باید حرف امام را قبول کرد، اکنون چرا افرادی مثل اشغز زاده و خمینی ها، این حق را برای خامنه‌ای و رفسنجانی قائل نیستند؟ چه چیزی دراصل ولایت فقیه تغییر کرده که اینان را به این موضع می‌کشاند؟ واقعیت اینست که هم در آن شرایط و هم در این شرایط، ولایت فقیه نه یک آرمان، بلکه یک دستگاه ایدئولوژیک - سیاسی بود که حاکمیت بخشی از آنونها به رهبری خمینی را توجیه می‌کرد. هم در آن شرایط و هم در این شرایط جنگ بر سر منافع، تعیین کننده موضع جناح های مختلف بود. بنابراین نه دفاع احمد توکلی از "اسلامیت" در روزنامه رسالت (مقاله تقابل منوعی جمهوری و اسلامیت در روزنامه رسالت) و نه سخنرانی ها و مقالات افرادی مثل اشغز زاده و خمینی ها و... نمی‌تواند بیان کننده اعتقاد یا عدم اعتقاد آنان به ولایت فقیه و حاکمیت اسلام باشد. بحث اصلی و مساله مرکزی برای جناح های مختلف رژیم، اینست که این لاشه متعفن و پوسیده رژیم خمینی را چگونه رنگ آمیزی کنند تا بتوانند چند صباحی دیگر به عمر رژیم اضافه کرده و به غارت و چپاول مردم بپردازند.

رفسنجانی خط امام را مانع پیشبرد اهداف خود می‌داند و بدین ترتیب در اتحاد با خامنه‌ای و جناح بازار و البته با عوام مفرقیلی های خمینی گونه، عزم به حذف این جناح می‌کند. چند روز قبل از آنکه عدم صلاحیت تعدادی از کاندیداها اعلام شود، داغ ترین مشاجرات و حرکات از طرف جناح خط امام صورت می‌گیرد. روزنامه سلام قبل از اعلام لیست کاندیداها بی که صلاحیت آنان رد شده، بعضی اخبار مربوط به این کاندیداها را منتشر می‌کند، موسوی خمینی ها و کربوسی به نمایندگی از طرف جامعه روحانیون مبارز، با رفسنجانی ملاقات می‌کنند، به خامنه‌ای نامه می‌نویسند، در شهر شایعه پراکنی می‌کنند، اما شورای نگهبان کار خود را می‌کند و سرانجام معلوم میشود که بسیاری از چهره‌های سرشناس این جناح حذف شده‌اند. "مجمع روحانیون مبارز"، "خانه کارگر"، "دفتر تحکیم وحدت" در مقابل دوره قرار می‌گیرند، یاباید انتخابات را تحریم کنند و یکی از صحنه خارج شوند و یاباید ضمن افشاگری و جار و جنجال، بازی را تا آخر ادامه دهد. خط دوم در مجموع نیروهای خط امام پذیرفته میشود. "مجمع روحانیون مبارز" ضمن یک اعلامیه افشاگرانه به تاریخ ۱۲ فروردین اسامی اعلام می‌کند که علیرغم جونا سالم انتخابات، بنابه دستور خامنه‌ای در انتخابات شرکت می‌کند. (متن کامل اعلامیه مجمع روحانیون مبارز در پایان همین مطلب چاپ شده است). دفتر تحکیم وحدت طی اعلامیه‌ای اعلام می‌کند که لیست انتخاباتی ارائه نمی‌دهد و لی کاندیدای مجمع روحانیون مبارز، را "ارجح" میدانند. خانم رجائی و بهزاد نبوی و تعداد دیگری از کاندیداها که صلاحیت آنان رد شده، خواستار اعلام علنی دلایل رد صلاحیت خود میشوند و وزارت کشور این مساله را قبول نمی‌کند و علی حسینی نماینده رئیس قوه قضائیه در ستاد انتخابات اعلام میکند که "به موجب قانون انتخابات دلایل رد صلاحیت داوطلبان نمایندگی مجلس محرمانه است و تنها به خود آنان ابلاغ میشود و اعلام آنها در رسانه‌ها مغایر با قانون است." بدین ترتیب اتحاد رفسنجانی - خامنه‌ای، یک گام بزرگ به پیش بر می‌دارد و می‌تواند ضمن حذف بسیاری از کاندیداها و جناح خط امام، آنان را به صحنه انتخابات بکشد. در گام بعدی، با هم این حذف ادامه خواهد یافت و این البته برای رفسنجانی یک دست آورد است که ضمانت‌تایع و عواقب بسیاری برای او خواهد داشت که باید با آن درگیر شود.

اما این انتخابات برای مردم ایران هیچ دستاوردی نخواهد داشت. مردم ایران با تحریم این انتخابات و دهن کجی به رژیم نشان دادند که خواستار ادامه حکومت ولایت فقیه و رژیم آخوندی نیستند. این جنبه از عکس العمل مردم بسیار ارزنده و قابل ستایش است. مردم ایران با مبارزه علیه رژیم ارتجاعی و ضد دمکراتیک جمهوری اسلامی، بساط این دستگاه ضد مردمی را بر خواهند انداخت. انتخابات آزاد، واقعی، دمکراتیک، تنها پس از سرنگونی این رژیم امکان پذیر خواهد بود.

اعلامیه مجمع روحانیون مبارز
بدنبال ادامه جریان حذف نیروهای انقلابی از کاندیداتوری مجلس شورای اسلامی احتمال می‌رفت

اخبار و رویدادها....

از صفحه ۱۲

اقتنابی گسترده جوانانی که از جهنم خمینی به خارج فرار کرده بودند روپرو شده است.

اخبار مقاومت

اخبار زیر از اطلاعیه‌های سازمان مجاهدین خلق ایران گرفته شده است.

تظاهرات و اعتراضات مردمی در شهرهای خوزستان

بنابه گزارشات رسیده از ایران طی روزهای نیمه دوم اسفندماه ۷۰ شهرهای مختلف استان خوزستان از جمله اهواز، رام هرمز، ماهشهر، هفتکل، امیدیه، مسجد سلیمان، رامشیر و آغاچاری شاهد تظاهرات و حرکات اعتراضی بر علیه رژیم خمینی بود. در رامهرمز چهارشنبه ۱۲ اسفندماه بیش از ۲۰ هزار تن از معلمین، دانش آموزان و سایر مردم با شعارهای مرگ بر خاندان پادشاهی و مرگ بر فئودالیسم و مرگ بر ملامت‌های علیه گرانی و فشارهای شمیذ اقتصادی به تظاهرات پرداختند. بنابه این گزارشات مأمورین پلیس از پخش دستورات مبنی بر سرکوب تظاهرات سر باز زدند و به همین دلیل پاسداران مزدور به محل اعزام و به روی مردم آتش کشیدند. مردم خشمگین متقابلاً چندین خودروی پاسداران را به آتش کشیدند و به مراکز سرکوب و ادارات دولتی منجمله پادگان سپاه پاسداران، و محل اقامت امام جمعه شهر، فرمانداری و اداره بازوگرانی حمله ور شدند. در این درگیری هایلک تن از مردم کشته و بیش از ۲۰ نفر مجروح شدند. از جمله مجروح شدگان محمدحسین شهبازی ۱۸ ساله، حسین بوستانی ۲۰ ساله و عبدالکریم صوری ۲۰ ساله را می‌شود نام برد. بدنبال این درگیری ۸۹ نفر از مردم دستگیر شدند که در میان آنها تعدادی از معلمین دانش آموزان و بازاربانان دیده می‌شوند. در همین روز در ماه شهر تظاهرات مشابهی از طرف مردم صورت گرفت که به درگیری با پاسداران سرکوبگر رژیم انجامید. در این تظاهرات ۲۸ تن از مردم دستگیر شدند که از وضعیت آنها اطلاعی در دست نیست. کارگران حفاری نفت در اهواز نیز در اعتراض به کمیبود دستمزدها در تاریخ ۲۷ اسفند دست از کار کشیدند. در دیگر شهرهای استان خوزستان نیز درگیری با پاسداران منجر به زخمی شدن تعدادی از مردم و دستگیری صدها تن دیگر گردید. بنابه ارزیابی استانداری خوزستان در این درگیری ها مجموعاً حدود ۳ میلیون دلار خسارت به مراکز سرکوب و ادارات دولتی وارد شده است.

بدنبال این حرکات و اعتراضات آقای سمع در جوی مسئول شورای ملی مقاومت، ضمن پیامی خطاب به مردم خوزستان به آنان درود فرستاد و تظاهرات و اعتراضات های فرهنگیان، نفت گران و سایر مردم این استان را زمینه ساز سرنگونی رژیم شد بشری خمینی توسط ارتش آزادیبخش ملی ایران توصیف نمود.

استعفای سی هزار پاسدار طی یکسال

بنابه گزارشات دریافتی از منابع درون رژیم، اخیراً بیش از ۳۰ تن از سرکردگان جنایتکار سپاه پاسداران

منجمله ۵ نفر از فرماندهان معاونت اطلاعات ستاد فرماندهی کل سپاه استعفا نموده‌اند. همین گزارشات حاکیست که طی یکسال گذشته بیش از سی هزار نفر از نیروهای کادرسپاه پاسداران که بدنه اصلی این نیروی سرکوبگر را تشکیل می‌دهند استعفا داده‌اند.

درگیری باندهای رژیم در شهرهای ایران

روز پنجشنبه ۱۲ فروردین شهرهای بناب و ملکان در آذربایجان و شهر لامرد در استان فارس صحنه تظاهرات و درگیری های گسترده باندهای مختلف رژیم بود. در ساعت ۲ بعد از ظهر این روز بیش از دو هزار تن از اهالی لامرد به همراه آخوندق‌فاحینی المنسی نماینده کنونی این شهر در مجلس ارتجاع که کانفیدال توری وی برای دور بندی انتخابات مجلس رفته بود به خیابانهای شهر آمدند. جمعیت ضمن دادن شعار بر علیه خامنه‌ای و فتنجانی مقر سپاه پاسداران را به تصرف درآوردند و فرماندار شهر را که طرفدار فتنجانی است به گروگان گرفتند و به آتش زمین لاسیلاک و زدو خورد با پاسداران پرداختند.

در شهرهای بناب و ملکان درگیری های گسترده ای بین طرفداران و مخالفین فتنجانی روی داد و سپاه پاسداران این شهر به مخالفین فتنجانی پیوست. پاسداران به حمایت از انتظاری کانفید جناح رقیب فتنجانی از این دو شهر ابدست گرفتند و بر روی طرفداران جناح رقیب آتش گشودند.

در استان خراسان نیز شهر تربت جام روز یکشنبه ۹ فروردین بین طرفداران باندهای مختلف رژیم درگیری های گسترده ای روی داد و هنوز جوانان شهر متشنج است.

روز ۴ فروردین عوامل جناح رقیب ۹۰ مرد تنگسپا و پوسته‌های تبلیغاتی طرفداران فتنجانی را در خیابانهای تهران پاره کردند. مجمع روحانیون مبارز (جناح رقیب فتنجانی) با انتشار یک بیانیه که روز گذشته در سطح تهران توزیع شد به شدت خامنه‌ای و فتنجانی و شورای نگهبان را بخاطر حذف کانفیدالهای این مجمع مورد حمله قرار داد. همچنین سردساران این باند، نماز جمعه این روز را متوسط جنشی تفسیر شورای نگهبان و از نزدیکان فتنجانی برگزار شد تحریم کرده و در آن شرکت نمودند و عوامل آنها بهانه نقی الذکر را در محل نماز جمعه توزیع کردند.

بر اساس اطلاعات رسیده در تاریخ ۲۰ فروردین، چند ساعت قبل از شروع انتخابات دکل بزرگه مخابرات شهر اسلام آباد توسط هواداران مجاهدین منهدم شد. در همان تاریخ فرمانداری شهر خرم آباد مرکز استان لرستان به آتش کشیده شد. دفتر مجاهدین خلق ایران به بغداد که این خبرها را انتشار داده است در ادامه اطلاعیه خود می‌گوید که فرماندار شهر خرم آباد نیز توسط مردم معترض و خشمگین به گروگان گرفته شده است.

تحریم انتخابات

خانم مریم رجوی مسئول اول سازمان مجاهدین

خلق ایران در پیامی خطاب به مردم ایران که از صدای مجاهد پخش شد، تحریم گسترده و سراسری نمایست انتخاباتی ۲۱ فروردین آخوندها را از سوی اکثریت قاطع مردم ایران یک پیروزی بسیار بزرگ برای مجاهدین و مقاومت ایران و نشانه تمایل روز افزون مردم ایران به کنار رفتن آخوندها و موفقیت الترناتو بود مکرراتیلاک توصیف نمود.

خانم مریم رجوی اعلام کرد که پس از پایان کشیدن سن قانونی رای دهندگان به ۱۵ سال، بیست و یک سال از ۳۰ میلیون تن حق شرکت در انتخابات را داشتند. ۱۰ میلیون رأی ریخته شده به صندوق هاکمتر از ۴/۵ میلیون رای می‌باشد. یعنی علم بر تم تمام تبلیغات و تهدیدات دیکتاتوری مذهبی و تروریستی تنها حدود ۱۵ درصد در نمایش انتخاباتی شرکت کردند و حدود ۸۵ درصد از مردم ایران آنرا تحریم کردند.

اعتماد رانندگان اتوبوس در تهران

بر اساس اخبار رسیده از داخل کشور از ساعت صبح ۲۲ فروردین ماه اسام، رانندگان و کارکنان شرکت واحد اتوبوسرانی تهران در منطقه ۶ در اعتراض به تصویب قانونی در مجلس رژیم که فشار و محدودیت های بیشتری بر آنان تحمیل خواهد کرد، در محل این شرکت در خیابان طالقانی دست به اعتماد زدند که هم اکنون هم ادامه دارد. کارکنان شرکت واحد سایر مناطق تهران نیز تهدید کرده‌اند که اگر رژیم در اعمال فشار بر آنان عقب نشینی نکند دست به اعتماد خواهند زد و به اعتمادیون منطقه ۶ خواهند پیوست.

اخبار خارجی

سقوط هواپیمای عرفات

یاسر عرفات رهبر سازمان آزادیبخش فلسطین از یک حادثه هوایی جان سالم به دربرد. هواپیمای حامل یاسر عرفات که از سودان به طرف تونس در پرواز بود در بین راه در بالای صحرای لیبی دچار طوفان شن شد و از صفحه رادار هانا پدید گردید. مقامات سازمان آزادیبخش فلسطین از کشورهای مختلف تقاضای کمک در پیدا کردن هواپیمای ناپدید شده کردند که در این رابطه آمریکا و فرانسه و مصر به جستجو پرداختند و هواپیمای مفقود شده در فرادی آنروز در لیبی پیدا گردید. در این حادثه سه نفر از همراهان یاسر عرفات کشته شدند ولی به خود وی صدمه چندانی نرسید و در یک بیمارستان لیبی بستری گردید.

پیروزی محافظه کاران در انگلیس

نیروهای محافظه کار در انتخابات عمومی بریتانیا به پیروزی غیر منتظره ای دست یافتند. جان میچر نخست وزیر این کشور از حزب محافظه کار برخلاف تمامی ارزیابی های قبلی به اکثریتی قابل توجه دست یافت و حزب کارگر انگلیس یکبار دیگر از دست یابی به قدرت بازماند.

تغییر دولت در فرانسه

بدنبال شکست حزب حاکم فرانسه در انتخابات

انتخابات رژیم زدید رسانه‌های خارجی

از زمان روی کار آمدن رژیم خمینی در ایران، مضعه انتخابات یکی از نمایشات کمدی و خنده‌آوری است که آخوندها سنانرو آن را با تقلید ناشیانه از روش و مدل غربی گرفته و نوع پیاده کردن آن را بسته به شرایط و اوضاع احوال روز به روز میل خودتعیین می‌کنند. طبیعتاً هر جا که انتخاباتی برگزار میشود، رسانه‌های جهانی در جوامع مکرراتیک به نوعی به آن توجه نشان میدهند و آنرا ناشی از بلوغ فرهنگی و پیشرفت اجتماعی آن جامعه میدانند. به همین دلیل رژیم ارتجاعی و ضد انسانی خمینی بمنظور جلب توجه افکار عمومی جهان هر چند وقت یکبار به شیوه‌نمونه‌گرایی این جور نمایشات راه می‌اندازد و برای نشان دادن شرکت گسترده مردم در این نمایشات حتی از گاوها و گوسفندها بعنوان رای دهنده استفاده می‌کند. مردم کشورمان که عمیق شرارت و حقه بازی آخوندها را طی این سالها پخوبی شناخته‌اند هیچگاه به این ترفندهای رژیم پاسبان مثبت نداده و با عدم شرکت در این نمایشات تفرات خسوف را از رژیم آخوندها به نمایش می‌گذارند.

در ارتباط بانمایش انتخاباتی دوره چهارم مجلس آخوندها که رژیم با سرو صدای زیاد از شرکت گسترده مردم در این انتخابات دم می‌زند، خبرنگاران رسانه‌های خارجی که در تهران اقامت دارند و از نزدیک شاهد چگونگی برگزاری این نمایش انتخاباتی بوده‌اند، گزارشی به خارج مخابره کرده‌اند که رادیوهایی خارجی فارسی زبان گوشه‌هایی از این گزارش‌ها را منعکس کرده‌اند که قسمت‌هایی از آن در زیر می‌آید.

رادیویی بی‌سی (ساعت ۲۳)، ۲۱ فروردین ۰۰۰۰ از نخستین گزارشات چنین بر می‌آید که عمده رای دهندگان چندان زیاد نبوده است. رادیو آمریکا (ساعت ۲۱/۳۰) ۲۱ فروردین: "امروز نخستین انتخابات پارلمانی ایران پس از مرگ گذشت خمینی در سال ۱۹۸۹ برگزار شد. بنا به گزارش خبرنگار صدای آمریکا از تهران با اینکه انتظار می‌رود که نتیجه انتخابات در تعیین مسیر آینده ایران تاثیر بسیار داشته باشد، بسیاری از مردم در گفنگوهای پیش از انتخابات علاقه‌ای برای دادن نشان نمی‌دانند." (ساعت ۲۲/۷/۳۰) فروردین: "۰۰۰ خبرنگاران غربی بی‌علاقگی زیاد مردم پایتخت را به شرکت در انتخابات گزارش کرده‌اند." ۰۰۰۰۰۰

رادیویی بی‌سی (ساعت ۷) ۲۲ فروردین: "۰۰۰۰۰۰ روزنامه تایمز (واکر) می‌نویسد که احمد خمینی که بقول نویسنده یک چهره نمادی ولی در عین حال بانقوذ است. پس از اینکه رای خود را در حسینیه جماران به صندوق انداخت از تمام نامزدان انتخاباتی خواست که با ادامه صدور انقلاب اسلامی بادی‌درش را گرامی دارند. حاشران در حسینیه با فریادهای مرگ برای آمریکا، مرگ بر انگلیس و مرگ بر اسرائیل از سخنان آیت الله زاده خمینی استقبال کردند. به اعتقاد روزنامه تایمز این سخنان فرزند تندرو آیت الله خمینی فریب‌دهی به رفسنجانی به اصطلاح میانرو اسلامی بحساب می‌آید که تلویحاً گفته، انتخابات باید قدمی در راه بهبود روابط ایران با جهان خارج باشد.

گزارشگر روزنامه کاردین هم از تهران می‌نویسد: در

حالی که پیش‌نماز دانشگاه تهران در مراسم نماز جمعه فریاد می‌زد، رای شمامند سلی به صورت آمریکا خواهد بود. در حدود هزار نفری که برای انجام نماز در اطراف او اجتماع کرده بودند هم فریاد زدند، رای ما سلی بصورت آمریکا خواهد بود. او پیش پدهای هم که زنان را از مردان نمازگزار جدا می‌کرد، هیچ پج در همین حدود به گوش رسید. به نوشته کاردین رفسنجانی از رای دهندگان خواسته است که از او حمایت کنند تا بتوانند تعلیمات خمینی را مجدداً تعبیر و تفسیر کنند. نویسنده کاردین گزارش می‌دهد که اعتقاد عمومی بر این است که روحانیون افراطی که در مجلس اکثریت داشته و مانع می‌شوند که رفسنجانی برنامه‌های تحولاتی خود را به مرحله اجرا در آورد از صحنه سیاست خارج خواهند شد.

فاینانشال تایمز با چاپ عکس رفسنجانی در حال انداختن رای خود به صندوق می‌نویسد که دیروز که روز انتخابات بود تهران بسیار ساکت بود و اصلاً معلوم نبود که انتخاباتی در جریان است، و برخلاف دوره‌های قبل خبری هم از پوسته‌های انتخاباتی نبود، زیرا شهردار تهران به کسانی که پوسته‌ها را به دیوار می‌چسبانند اعلان جنگ داده و کارکنان شهرداری و سایر به زبان می‌گردد و تفنگ‌ها را تجمیع کرده بود و به داخل شهر فرستاده بود تا دمار از روزگار فعالین انتخاباتی در بیاورد. گزارشی فاینانشال تایمز می‌نویسد که در هفته گذشته بیشتر میتینگ‌های انتخاباتی در داخل ساجد انجام شد. که یکی از آنها مربوط به راجشی خراسانی نماینده پیشین ایران در سازمان ملل متحد بوده است. به نوشته خبرنگار این روزنامه در تمام مدتی که نامزدهای انتخاباتی به سخنرانی‌های آتشین خود در مساجد ادامه می‌دادند، مردمی که نماز عمر خود را تمام کرده بودند مشغول صحبت در گوشه‌ها و نجوای یکدیگر بودند. وی می‌نویسد که مبارزات انتخاباتی بقدری بی‌حال بوده که رای دهندگان اغلب نمی‌دانستند که این نامزدهای انتخاباتی کی هستند و به کدام جناح تعلق دارند. به نوشته باراکلاف، علی محمد عرب یک سرباز ۱۹ ساله که خود را از هواداران رفسنجانی می‌داند به لیستی رای داده بود که در آن تعدادی از مخالفان رئیس جمهوری هم به چشم می‌خورند.

دیپلی تلگراف هم گزارش نسبتاً مفصلی در این مورد دارد. بقلم آنتوان لاگوردیا که او هم در تهران بسر می‌برد. وی می‌نویسد با اینکه در انتخابات دیروز نشانه‌های زیادی از ناراضی مردم و دل‌سردی آنان از نظام سیاسی کشور به چشم می‌خورد ولی رهبران سیاسی جمهوری اسلامی، انتخابات را یک پیروزی و جوابی به دشمنان اسلام خوانند. در مناطق فقیرنشین جنوب شهر تهران که قاعدتاً باید پایگاه هواداران انقلاب اسلامی باشد، بسیاری از جوانان گفتند که در انتخابات رای نخواهند داد. "آز آن جاکه ایران یکی از محدود کشورهای جهان است که حداقل سن رای دهندگان فقط ۱۵ سال می‌باشد. این گونه برخورد جوانان با مسائل سیاسی بطور قطع برای دولت نگران کننده خواهد بود. از آن گذشته به نوشته دیپلی - تلگراف از میان کسانی هم که به پای صندوق‌های رای

رفته‌اند فقط تعداد معدودی اشتیاق نسبت به رهبران فعلی نشان داده‌اند. ما این همه رادیو تهران پس از هفته‌ها اعلام این امر که رای دادن وظیفه مذهبی مردم است، تعداد شرکت کنندگان در انتخابات دیروز را بی سابقه خواند."

رادیو اسرائیل (ساعت ۱۸/۳۰) ۲۲ فروردین:

"۰۰۰۰ خبرنگاران خارجی که هم اینک در تهران بسر می‌برند گزارش داده‌اند که بسیاری از مردم به شرکت در انتخابات علاقه چندانی نشان نداده‌اند و تنها برای آنکه مهر ستاد انتخابات را در شناسنامه خود داشته باشند، ناچار شده‌اند به پای صندوق‌های اخذ رای بروند. در روزهای اخیر شایع شده بود، کسانی که رای ندهند، گذرنامه دریافت نخواهند کرد. او گویند از زاق عمومی نیز محروم خواهند شد. خبرنگاری روتتر گزارش داد که علیرغم این شایعات تعداد رای دهندگان در بسیاری از حوزه‌ها خیلی کمتر از مجلس قبلی بوده است."

اخبار و رویدادها

از صفحه ۲

منطقه‌ای از دست دادن درصد قابل توجهی از حمایت مردم، خانم ادیت کرسون نخست وزیر این کشور استعفا داد و فرانسه امیران رئیس جمهور فرانسه به وزیر اقتصاد دولت کرسون مأموریت تشکیل دولت جدید را داد. نخست وزیر جدید فرانسه پیر برگوا در سخنرانی خود در مقابل پارلمان، وعده داد که تا اواخر سال جاری تعداد نیمه‌هزار نفر از بی‌کاری را که بیشتر از یکسال از بی‌کاری آنها می‌گذرد به نوعی شافل نماید.

انفجار سفارت اسرائیل در آژانتین

سفارت اسرائیل در بوئنوس آیرس پایتخت آژانتین که ساختمانی بسیار بزرگ و عظیم بود در اثر انفجار یک اتوبوس حامل مواد منفجره که از راه دور کنترل می‌شد، بمب‌گذاری ویران شد و در این انفجار آتن گشته و ۲۵۲ تن زخمی شدند. سازمان "جهاد اسلامی" وابسته به رژیم تروریست خمینی این انفجار را بمبده گرفت و آنرا نشانه انتقام تروریست عباس موسوی رهبر "حزب الله" لبنان دانست.

خودسختاری تاتارستان

تاتارستان که یکی از بخشهای جمهوری روسیه محسوب می‌شود در روز ۲ فروردین ماه با شرکت در یک رای گیری به خودسختاری منطقه خود رای داد. در این رای گیری حدوداً نهمصد مردم این منطقه به خودسختاری رای مثبت دادند. در این حال جمهوری روسیه این رای گیری را غیرقانونی اعلام کرد و آنرا رد نمود. دانشگاه عالی روسیه نیز این انتخابات را غیرقانونی اعلام کرد. یکی از رهبران تاتارستان در مورد خودسختاری مطرح شده در این منطقه توضیح داد که از دید مردم تاتارستان خودسختاری همان استقلال است و ما می‌خواهیم مثل یک کشور مستقل عمل کنیم. تاتارستان حدود ۲/۵ میلیون نفر جمعیت دارد که از ۵۸ درصد تاتار و ۴۲ درصد روس تشکیل می‌شود. در شهر نغان از پایتخت تاتارستان نتیجه آرا با توجه به اکثریت روس ۵۱ درصد علیه خودسختاری و ۴۶ درصد به نفع آن رای دادند.

حمله هوایی به قرارگاه اشرف

*** يك جنگنده اف-۴ آرژيم در اين عمليات سرنگون شد و خلبان و كمك خلبان مزدور آن دستگير شدند**
*** مجموعاً حدود ۵۰ تا ۲۵ تن بمب خوشه‌ای و موشك و راکت روی قرارگاه ریخته شد**
*** در این حمله مجاهد خلق حسین نيك، پیمان شهادت رسید و ۲ نفر دیگر زخمی شدند**

از صفحه ۱

عراق ضمن ارسال یادداشت اعتراضی به شورای امنیت سازمان ملل متحد و جامعه عرب، شدیداً رژیم را مورد حمله قرار داد.

آقای مسعود رجوی مسئول شورای ملی مقاومت تلگرافی به دبیرکل ملل متحد، رئیس و اعضای شورای امنیت ارسال داشت و در آن خواستار طرح بلادرنگ موضوع این تهاجم و تجاوز هوایی در شورای امنیت و محکومیت قاطع و مجازات این دیکتاتوری سرکوبگر و متجاوز و تحریم نفتی و تسلیحاتی و هوایی رژیم گردید. آقای رجوی همچنین در پیامی به رزمندگان دلیر ارتش آزادیبخش تاکید کرد که "دشمن ضد بشری علیرغم تمهیدات گسترده و فرستادن ۱۲ جنگنده - بمب افکن هیچ کارچدی از پیش نبرد و هیچ غلطی هم نمی‌تواند بکند."

به فاصله چند ساعت از خاتمه این عملیات، اکیب - های متعدد خبرنگاران و رسانه‌های بین المللی از لاشه هواپیما یا آرم رسمی رژیم در کنار قرارگاه اشرف بدین کردند و گزارشات متعددی را در این مورد مخابره کردند. درواکنش به این رسوایی جدید، رژیم حاکم برای سران عجلانه با جعل خبری مبنی بر حمله مجاهدین به دو دهکده ایران در منطقه قصر شیرین و کشته و ربودن چند نفر این عملیات را به تلافی حمله مجاهدین به دهکده های ایران توصیف کرد. دفتر مجاهدین خلق ایران در بغداد اطلاعیه‌ای این خبر را کذب محض توصیف کرد و آن را رد نمود.

بحران های لاعلاج همه جانبه و سردرگمی مقامات رژیم در حل مشکلات از سویی و رسیدن موعد انتخابات فرمایشی مجلس آخوندی که باعث درهم ریختگی هرچه بیشتر رژیم گردیده از سوی دیگر ضرورت تحرکات این چنینی و بخصوص ضربه زدن به مقاومت انقلابی و مسلح خلق را در برنامه روز رژیم قرار داده بود. نگاهی به صحبت های سردمدار اصلی رژیم، آخوند خا منه‌ای در شب پیش از این عملیات در مشهد که در مقابل تعدادی از نیروهای داخلی صورت گرفت بخوبی روشن می‌کند که بقایای رژیم خمینی کلیه مشکلات و بحران های خود را از وجود مقاومت مسلح خلق و ارتش آزادیبخش ملی ایران ناشی می‌دانند و آنرا تنها خطر برای آینده شوم خود حساب می‌آورند و از این رو کلیه انرژی خود را روی این کار گذاشته‌اند تا ضربه‌ای کاری به مقاومت وارد آورند طرح های پشت سرهم و عقیم مانده برای سو، قصد به جان مسئول شورای ملی مقاومت و عملیات بمباران هوایی بر علیه قرارگاه اشرف از جمله آخرین برگ های رژیم برای عملی کردن این منظور است. همان گونه که رژیم تاکنون هیچ طرفی از توطئه بر علیه مقاومت خلق نبسته است، اینبار نیز بصورت محترصد در عملیاتش شکست خورد و برگ زرین دیگری بر افتخارات ارتش آزادیبخش اضافه کرد.

حمله به سفارت خانه‌های رژیم

از صفحه ۱

در اعتراض به حمله هوایی رژیم جنایتکار آخوندی به قرارگاه اشرف، هواداران مقاومت و هموطنان مبارز در سه قاره اروپا، امریکا و اقیانوسیه به سفارتخانه‌های رژیم حمله برده و ضرب شست جانانه‌ای به مزدوران و سفرای مستقر در این سفارت خانه‌ها دادند. هواداران مقاومت در یک حرکت انقلابی و حساب شده به سفارت خانه‌ها و کنسولگری های رژیم در امریکا، انگلستان، سوئد، سوئیس، فرانسه، هلند، استرالیا، آلمان، یمن، مونیخ، هامبورگ، نروژ، دانمارک، یوورث بردند و این محل ها را بر سر اسکان مزدور سر خراب کردند. هواداران مقاومت بعد از نابودی تاسیسات این محلها، اسناد و مدارک زیادی را به آتش کشیدند. در این جریان حدوداً صد هشتاد نفر از هواداران مقاومت توسط پلیس کشورهای مختلف دستگیر شدند که بجز تعداد کمی مابقی بلافاصله از زندان آزاد شدند. بنابراین این گوشمالی سخت، وزارت خارجه رژیم به کلیه سفارت خانه‌های خود دستور داد تا هر چه زودتر در جهت خارج کردن اسناد و مدارک سفارتخانه‌ها اقدام کنند، تا در صورت تهاجمی دیگر توطئه‌ها و طرحهای تروریستی و زد و بند های خارجی آنها افشا نشود.

اخراج صلیب سرخ از ایران

از صفحه ۱

گزارش گالیندویل برای یازدهمین بار محکوم شده بود، اقدام به بستن دفتر این کمیته در تهران نمود و به کارمندان آن یک هفته وقت داد تا از ایران خارج شوند. بر اساس گزارش های رسیده از ایران، که دفتر مجاهدین خلق در پاریس انتشار داده، تصمیم اخراج کمیته بین المللی صلیب سرخ توسط خود رفسنجانی در جلسه ۲۴ اسفند شورای عالی امنیت رژیم اتخاذ گردیده و نامبرده به علی اکبر ولایتی، وزیر خارجه و منوچهر متکی، معاون امور سازمان های بین المللی وزارت خارجه، دستور داده تا برای توجیه این قضیه، انتخابات مجلس آخوندی را علت اخراج نمایندگان صلیب سرخ قلمداد کنند تا به این وسیله از عکس العمل شدید و منفی جامعه بین المللی جلوگیری بعمل آید. مقامات صلیب سرخ، اتهامات موهوم ایران را به این کمیته شدیداً رد کرده و متوقف کردن فعالیت این کمیته را محکوم نمودند. بقایای رژیم ضد بشری خمینی برای سرپوش گذاشتن بر جنایات و فجایع خود در سال گذشته موافقت کرده بودند تا صلیب سرخ برای سرکشی به زندان های رژیم و دیدار با زندانیان سیاسی به ایران برود. در برابر افشاکاری های قهرمانانه خانواده‌های زندانیان سیاسی که با فراخوان مسئول شورای ملی مقاومت بدون هراس از سرکوب عریان پاسداران به دیدار مقامات صلیب سرخ رفته بودند، رژیم پوسیده آخوندی چاره زادر اخراج اعضای کمیته صلیب سرخ و بستن دفتر این کمیته در تهران دید. اقدام به بستن دفتر صلیب سرخ در تهران ننگ دیگری است که رژیم با توجه به آینده شوم خود، آنرا به جان می‌خورد.

قرارگاه اشرف یکی از مراکز آموزشی و مجهز ارتش آزادیبخش ملی ایران واقع در نزدیکی شهر خالص در کشور عراق که در قسمت شمال شرقی شهر بغداد واقع است در سرگاه روز ۱۶ فروردین جاری مورد حمله هوایی جنگنده بمب افکن های فانتوم نیروی هوایی رژیم خمینی قرار گرفت که در نتیجه این حمله یکی از رزمندگان ارتش آزادیبخش بنام حسین نیک پیمان در اثر اصابت ترکش به شهادت رسید و ۱۲ نفر دیگر زخمی شدند. در این حمله بمب افکن های اف - ۴ رژیم که ۱۲ فروند بودند با از دست دادن يك فروند جنگنده که بر اثر پدافند موثر رزمندگان ارتش آزادیبخش مورد اصابت قرار گرفت بصورت مفتضحانه‌ای بداخل ایران عقب نشینی کردند. خلبان و كمك خلبان این جنگنده نیز به اسارت درآمنند.

کلیل خلبان قاسم امینی، معاون پایگاه هوایی نوزه همدان و خلبان دوم کاپیتان ارسلان شریفی که به مزدوری رژیم خمینی درآمده و در این عملیات سمیت معاون فرماندهی را ایفای کردند بعد از اسارت توسط رزمندگان ارتش آزادیبخش اعتراف کردند که این حمله قرار بود در زمان تحویل سال نو شمسی و با استفاده از تجمع رزمندگان ارتش آزادیبخش صورت گیرد، که بدستور خا منه‌ای عملیات صورت نگرفت. این تصمیم خا منه‌ای بدنبال آگاهی کشف زمان توطئه توسط شاخک های مجاهدین در داخل کشور که توسط مقامات اطلاعاتی رژیم به او گزارش شده بود صورت گرفت و زمان آن به عید فطر موکول گردیده بود. در ساعت تحویل سال نو ۲۲ فروردین هواپیمای جنگی آماده پرواز به قصد بمباران محل تجمع رزمندگان ارتش آزادیبخش بودند که عملی نگردید.

این عملیات در ساعت ۷/۲۰ دقیقه صبح صورت گرفت و در جریان آن خساراتی به بعضی از تاسیسات قرارگاه اشرف که بیشتر ساختمانها و انبارهای خالی بودند وارد آمد. طبق گفته‌های خلبان مزدور هواپیما، این عملیات با ۱۲ فروند بمب افکن اف - ۴ شروع شد ولی در شروع عملیات ۲ فروند از هواپیماها بعلت نقص فنی مجبور به بازگشت گردیدند. ۹۰ فروند باقی‌مانده بمب ۵۰ دقیقه در شویب اقدام به انداختن بمب های خوشه‌ای کردند که با توجه به ظرفیت حمل مهمات این جنگنده‌ها که حدود ۲/۵ تن می‌باشد، مجموعاً حدود ۵۰ تا ۲۵ تن بمب خوشه‌ای و موشک و راکت بر روی این قرارگاه ریخته شده است که قاعدتاً می‌بایست خسارات و صدمات جبران ناپذیر وارد می‌ساخت. آمادگی و رشادت رزمندگان و پدافند موثر باعث شده حمله بمب افکن های رژیم با از دست دادن يك فروند و اسیر شدن دو خلبان مفتضحانه شکست بخورد.

عبور تجاوزکارانه از مرزهای بین المللی و ورود به خاک عراق که نقض آتش بس بین ایران و عراق نیز هست بحران دیگری بر بحران های لاعلاج رژیم می‌افزاید.

نامه‌های يك تاجر حقیر

از صفحه ۱

است آقای احمد علی بابایی جز آن تاجر "محترم" بازار است که خمینی آن را یکی از ارکان انقلا ب اسلامی نامید و او وحدت پایدار آنان بارو حنیت ستایش نمود. علی بابایی در این نامه با شایستگی تمام نشان می‌دهد که يك تاجر کارگشته بازار است و بخوبی از کم و کیف "معامله" اطلاع می‌تواند استعداد خود را در این زمینه نشان داده و باشگردهای مخصوص يك تاجر کارگشته، خریدار را جذب نماید. فن "معامله" به ایشان آموخته است که باید نان را به نرخ روز خورد و برای بدست آوردن "اندکی سود ناقابل" که طبعاً بهم "امام" آن به موقع پرداخت می‌شود، به هردی زد تا کسب کار "حلال" و "شرعی" از رونق نیفتد. ایشان که در گردید حادث سال ۶۰ با این امید که به "زودی" ورق بر خواهد گشت و از برکت "رئیس جمهور منتخب" سودی بیشتر از آنچه خمینی برایشان در نظر گرفته بسنود، خواهد برد، ایران را ترک کرد و پس از آنکه این "هجرت" بسیار بیش از اندازه و ظرفیت يك تاجر "محترم" بازار طولانی شد، فیلیشان هوای هندوستان می‌کند و برای جبران دوری از بازار تهران، به "معامله" از آلمان استفاده از "مواهب" و "نعمت" در شرایط جنگی می‌پردازد. در آن سالها یکبار (ویاچندبار) برای خمینی نامه می‌نویسد و توصیه‌هایی به سفیر وقت رژیم در آلمان می‌نماید که گرچه برای افراد آگاه پنهان نمی‌ماند، اما واقعیت اینست که او چندان عرصه ای برای یک تازی نمی‌یابد و تنهایی کسب "اندکی سود اقتصادی" قناعت می‌کند. اما مبارزه خمینی و روی کار آمدن رفسنجانی که اتفاقاً او هم در فن "معامله" کار کشته و الحاق بسیار کارگشته تر از امثال احمد علی بابایی است، بازار خوش رقمی هایی از این نوع نامه نگاری اخیر آقای علی بابایی گرم می‌شود و وقتی بازار گرم است هر تاجر "محترمی" می‌داند که باید تاتنور گرم است نان را چسباند و "سود" را برد و بر این اساس است که نامه‌های اخیر نوشته می‌شود. برای اینکه خوانندگان این مقاله به میزان مهارت علی بابایی در فن "معامله" و استفاده از "شرایط" مقدما بیشتر آگاه شوند، باید نامه ۱۸ دیماه ۱۳۷۰ او را به سفیر رژیم مورد توجه قرار دهند. در این نامه، آقای علی بابایی از تلگرافی که در "نهایت ادب" به خمینی در اواخر سال ۵۹ یا اوائل سال ۶۰ کرده صحبت می‌کند و به مواردی که به خمینی تذکره هشدار داده است اشاره می‌نماید. در تذکره سوم به خمینی "خدمت ایشان یادآور شدم اینکه حزب توده و عوامل آنرا آشکارا بخدومت خوانده‌اند کار غیر ملی و دور از شئون مذهب شما رژیم اسلامی که قصد برپایی دارید می‌باشد. از این تجربه غلط چندبار امتحان شده ایشان را بر حذر داشتیم" (نامه مورخه ۷۰/۸/۱۸ به سفیر رژیم در آلمان)

هر آدم معمولی که این بخش از نامه آقای علی بابایی را بخواند، چنین استنباط می‌کند که از نظر علی بابایی "بخدمت" گرفتن و استفاده کردن از توده ای ها، يك کار "غیر ملی" است که هر انسان عاقلی "از این تجربه غلط" و "چندبار امتحان شده" دوری می‌جوید. اما "عقل معامله‌گر" علی بابایی چیز دیگری می‌گوید: "تجربه" در اینجا از زاویه دیگری بکار گرفته

می‌شود تا توده‌ایها "بخدمت" گرفته شوند و از آنسان "استفاده" شود. آقای علی بابایی "تجربه" بسیار در "حلال" کردن مال "حرام" دارد. او و تاجر امثال او با يك حبه "نبات" و برداختن "اندکی" وجوهات به يك مجتهد "عالیقدر" بارها "ربا"ی حرام را حلال کرده‌اند و اکنون هم مسلماً می‌تواند "توده‌ای" غیر ملی را "ملی" کنند. اینکار را آقای علی بابایی، همراه باتنی چند از مدعیان "ملی‌گرایی" اخیر اندر امضا، يك بیانیه مشترک با توده‌ای‌های شناخته شده‌ای مثل بابک امیر خسروی انجام می‌دهند و حتماً در توجیه لبخند توضح شرعی) آن به اینکه آب توبه بر سر امثال بابک امیر خسروی ریخته شده اشاره می‌کند. اما اگر به سطر سطر نامه‌های علی بابایی، دقت شود، "هزار نکته پنهان در امر "معامله"، "سنازش" و "تسلیم" اشکار می‌شود. نامه‌های ایشان شامل انبوهی از کلمات شاعرانه، ادبیانه، مودبانه، لطیف و ایضا تماماً اسلامی همراه با ناز و کرشمه‌های يك بازاری کاملاً سنتی که ادا و اطوارهای يك سرمایه‌دار امروز را در می‌آورد است. ابتدا از ترور و شاپور بختیار شروع می‌کند و به اصطلاح دست با لاری می‌گیرد تا در نقطه "معامله" سود کافی کسب کند. البته برای اینکه "معامله" بهم نخورد، در رابطه با این ترور و حشیانه به "سکوت آقای رفسنجانی و سایر مقامات ایران" اشاره می‌نماید. (نامه مورخه ۷۰/۵/۱۸) سفیر رژیم نکته را در می‌یابد و می‌فهمد که علی بابایی، خود راه را برایش باز کرده و بدین ترتیب در پاسخ ۷۰/۵/۲۰ خود اعلام می‌نماید که مقامات رژیم نه فقط سکوت نکرده‌اند بلکه "سفارت ایران در پاریس ضمن رد دخالت ایران، اصل ترور را نیز رسماً محکوم کرد. وزارت خارجه ایران ضمن بیانیه رسمی دخالت را تکذیب و ترور را محکوم کرد." بدین ترتیب در "معامله" اخیر که مساله نه محتوی اعمال رژیم، بلکه شکل توجیه شرعی آن مطرح است، نماینده رژیم از "راهنمایی"‌های از موع "بالا"ی علی بابایی استفاده می‌کند و از اینکه علی بابایی از اینگونه "تکذیب‌ها" خبر ندارد، اظهار "تعجب" می‌کند. علی بابایی در نامه دوم بتاريخ ۱۱ شهریور ۷۰ يك قدم عقب می‌نشیند و دیگر به ترور و بختیار و اینکه این اقدام کار جمهوری اسلامی است اشاره نمی‌کند. بلکه سفیر رژیم را برای خنثی کردن تبلیغاتی که علیه رژیم در سراسر جهان صورت می‌گیرد راهنمایی می‌کنند و می‌نویسد: "شماره‌اروپا هستید، می‌بینید روز و شب غیر از عناصر سازمانهایی که اپوزیسیون نامیده می‌شوند، مجامع و مراکز و نهادهای رسمی و خبری چه اخباری را در حد باور و یقین درباره ایران و شیوه حکومتی آن پخش می‌کنند. رفع این فضاوفی این اتهامات بیک پیگیری و کوشش گسترده و معقول و مستدل، آنگونه که در دنیا امروز معمول است نیاز دارد." (نامه ۷۰/۶/۱۱ به سفیر)

آقای علی بابایی در اینجا دیگر ظرافت را کنار می‌گذارد و در کمال صراحت به رژیم می‌گوید باید بشود امروز، تبلیغات اپوزیسیون در خارج از کشور را خنثی کنید. این اخباری که آقای علی بابایی خواستار "رفع این فضاوفی این اتهامات" می‌شود چیست؟ مگر غیر از انکاس خبر اعدام ها، شکنجه‌ها و سرکوب‌ها در خارج از کشور است. آیا این اخبار واقعیت دارند یا نه؟ اگر واقعیت دارد و همه به آن اذعان می‌کنند،

چرا آقای علی بابایی از سفیر رژیم می‌خواهد که با "پیگیری و کوشش گسترده و معقول و مستدل" از پخش اخبار جنایات رژیم جلوگیری شود؟ مسلماً آقای علی بابایی که می‌تواند با همین يك جمله مرزهای وقاحت و بی شرمی را بشکند، در پنهان کردن این اخبار و عدم پخش آن منافعی دارد که بدان اشاره خواهیم کرد. سفیر رژیم کهدر، معامله‌گری از استاد خود رفسنجانی بسیار آموخته است، بلافاصله از این راهنمایی استفاده کرده و این جمله علی بابایی را "بسیار مهم" اعلام می‌کند و ضمناً "از هرگونه گفتگو و تبادل نظر دوستانه و سازنده و راهگشا" (جواب سفیر ۷۰/۶/۱۴) با علی بابایی استقبال می‌کند. علی بابایی طی دو نامه بتاریخ ۱۶ مهر ۷۰ و ۱۸ آبان ۷۰ اندراوصاف خود و اینکه مجبور شده به خارج بیاید و اهل خشونت نبوده و ۷۰۰۰ قلم فرسایی بسیاری می‌کند و سفیر رژیم جواب این دو نامه را یکجدا داده و ضمناً اعلام نموده که "بنده همیشه آماده تبادل نظر و گفتگو برای سازندگی نظام اسلامی هستم. هر وقت میل داشتید قدمتان روی چشم (جواب سفیر ۷۰/۸/۲۲) بدین ترتیب سفیر يك رژیم تروریست پرور و سرکوبگر برای اینکه از هر زره خس و خاشاکی برای نجات رژیمش از جنگ بحران‌های لاعلاج استفاده کند، به آقای علی بابایی که ایشان هم خواستار "آرامش در مملکت" هستند به اندازه کافی میدان می‌دهد تا علی بابایی در نامه ۱۰ آذر ۷۰ خود اصل قضیه یعنی "امان نامه" را مطرح کند و بگوید: "فقط عرض می‌کنم، کیست که بمن بگوید از شکنجه و زندان و پیشرفت تلویزیون و اقرار به جاسوسی سی، آی، آ و ستون پنجم عراق و ۱۰۰۰ امان دارم، من یک ساعت معطل نمی‌شوم." (نامه مورخه ۷۰/۹/۱۰) علی بابایی - تاکید از ماست) بدین ترتیب اصل ماجرا و آن منافعی که آقای علی بابایی را به آن درجه از سقوط و تنزل می‌رساند که خواستار عدم پخش اخبار مربوط به سرکوبگری رژیم در خارج از کشور شود، کاملاً روشن می‌شود. اما در اینجا که پای "خود" بمیان می‌آید، البته ترس از شکنجه، زندان و تلویزیون واقعی است و باید پای "معامله" سفت شود، سفیر رژیم در جواب می‌نویسد: "پس از تحقیق امروز خوشوقت در پاسخ به سوال شما عرض کنم برای بازگشت به وطن، مشکلی نداشته و در امان هستید. اگر مایل هستید، دلیلی ندارد که یک ساعت درنگ کنید. چنانچه قصد جدی داشتید بنده در خدمت هستم" (جواب سفیر رژیم ۷۰/۹/۲۷). تاکید از ماست)

در این نقطه اصل "معامله" روشن می‌شود. آقای علی بابایی حاضر است هر چه "شرافت" برایش باقی مانده است را حراج کند تا "امان" یابد و البته سفیر نیز پس از کسب دستور، ایشان را بی خطر تشخیص می‌دهد و در همین نامه که به علی بابایی "امان" می‌دهد می‌گوید ما با مخالفین خیلی تند و در داخل سرچنگ داریم و روزنامه‌های بیان و سلام به دولت انتقادهایی هزاران بار تندتر از شما می‌کنند. اما مسلماً علی بابایی کارگشته تر از آنست که به این "امان" نامه قناعت کند. وی بدون ضمانت تن به ریسک نمی‌دهد، اما معامله را هم بهم نمی‌زند، ولی خواستار ادامه رابطه می‌شود. اگر با ضمانت اینکه شکنجه و زندان نمی‌شود، بتواند به ایران برود و به کسب و کار بر رونق و تجارت پر "سود" بپردازد چه بهتر. اگر نتوانست این ضمانت را فعلاً

تکذیب خبر سوء قضیه

جان مسعود رجوی

از صفحه ۱

مجاهدین مقاومت ایران دانست.

در ماههای گذشته نیز رژیم تروریست حاکم بر ایران بارها قصد جان آقای مسعود رجوی را نموده بود که یکبار در تاریخ ۲۲ دسامبر سال گذشته، زمانی که دیپلمات های این رژیم سرگرم شناسایی و طراحی سوء قصد بودند، عملیات آنها با هویشاری انقلابی محافظین مسئول شورای ملی مقاومت کشف و خنثی گردید و دو نفر از دیپلمات - تروریست های رژیم به شدت زخمی شدند.

رژیم غرق شده در گرداب مشکلات اقتصادی - سیاسی و اجتماعی برای روحیه دادن به نیروهای مزدور خود در روزهای قبل از سال نو با اعلام خبر ترور مسعود رجوی و تشکیل میزگردی تلویزیونی و دادن تحلیل از این عملیات "موفق" و جعل اکاذیب، اوج در ماندگی خود را به نمایش می گذارد و با عنوان کردن اینکه این سوء قصد خیالی توسط خود مجاهدین صورت گرفته و ناشی از "اختلافات موجود در سطح مجاهدین" میباشد، سعی می کند بر توطئه های خود برای ترور مسعود رجوی سرپوش بگذارد تا در مجمع بین المللی بیش از این رسوا نشود.

بدنبال این شایعات آقای مسعود رجوی در یکی از مراسم سال نو، که در یکی از قرارگاه های ارتش آزادیبخش ملی و با حضور رزمندگان و فرماندهان ارتش آزادیبخش و کادرها و مسئولین مجاهدین برگزار گردید، حضور یافت و ضمن تبریک سال نوبه عموم مردم ایران، اعلام کرد که "رژیم پلید خمینی از نظر عموم مردم ایران منفور و مردود است و باید سرنگون گردد و سرنگون خواهد شد." این مراسم از طریق رادیوی سراسری مجاهدین پخش گردید.

بر اساس گزارشات بعدی رژیم جنایتکار آخوندی باپخش این اکاذیب در روز ۲۴ و ۲۶ و ۲۸ و ۳۰ اسفندماه قصد داشت در اوائل سال نو همزمان با عید نوروز به یک اقدام تروریستی در بغداد علیه مجاهدین دست بزند و بهمین منظور اتوموبیل های سفارت رژیم در بغداد طی روزهای ۲۴ و ۲۶ و ۲۸ و ۳۰ اسفندماه اقدام به شناسایی و تعقیب افرادی کردند که در روز ۲۰ اسفندماه گاردهای حفاظتی مجاهدین یکی از اتوموبیل های عوامل رژیم را که به درب یکی از مراکز مجاهدین در میدان قبرمانیه بغداد نزدیک شده بود متوقف کرده و سرنشینان آنرا بیرون آوردند. یکی از این تروریست ها مرتضی میرزاده دبیر دوم سفارت رژیم در بغداد بود. متعاقباً ما موران انتظامی عراق دخالت کرده و تروریست های مذکور را تحویل گرفته و روانه سفارتشان کردند.

تلاشهای مذبوحانه رژیم آدمکش خمینی در ضربه زدن به مقاومت مسلح خلق از طریق ترور رهبران آن به صورت دائمی در جریان است. متقابلاً دست اندرکاران مقاومت با هویشاری انقلابی توطئه های آنان را نقش بر آب می کنند. رژیم آخوندی بعد از ترور شهید قهرمان حقوق بشر دکتر کاظم رجوی و سازشکاری دولت سوئیس در تعقیب آدمکشان، هر روز جری تر شده بطوریکه بصورت علنی در هر نقطه دنیا به توطئه و ترور می پردازد مسلماً قاطعیت در برخورد با عوامل مزدور رژیم دست آنها را در انجام عملیات مذبوحانه شان می بندد.

ایشان ناشی نمی شود، ایشان می خواهد زودتر به جان یغما برسد، با دجهانی را مطلوب تشخیص داده و رفتن جانی را در مسیر این باد می داند. پس ایشان که مخالف "زنده باد و مرده باد" است، فقط به جریان "باد" ایمان می آورد و برای اینکه زشتی کار خود را که دیگر نمی تواند آنرا پنهان کند، بنحوی دیگری عادی و معمولی جلوه دهد، مبادرت به انتشار نامه های مبادله شده می کند. می خواهد اینگونه اقدامات ضد مردمی و ارتجاعی خود را عادی جلوه دهد، خود مرزهای وقاحت و پلیدی را می شکند، تا مرزهای قاطعی که بیستون ایوزیسیون و رژیم وجوددار در امخدوش کند. او از آن تجاریست که از آشفتم بازار می خواهد سود ببرد. وقتی از "آرامش" برای مملکت صحبت می کند، اساساً برای "آرامش" برای مردم مطرح نیست. آرامش در غارتگری، آرامش برای هرز و بوند غارتگرانه و آرامش برای هر ساخت و پیاخت ضد مردمی مطرح است. بورژوازی بی بوته و بی بو و خاصیت که گاه از درآمدهای نفت و گاه از شرایط جنگی و همواره از وجود حکومت های دیکتاتوری و فاسد سوده های شراب برده، همیشه می خواهد سوده های کلان را به راحتی به جیب بزند. وقتی جرئت رفتن به ایران را ندارد، دیگران را به اینکار تشویق می کنند. برای جنگ سربازان را به گوشت دم توپ تبدیل می کند و سود می برد و برای "بازگشت" دیگران را تشویق می کند تا اوضاع برای بازگشت او مساعد شود و البته از محکم کاری ضرری دیده نمی شود. چه بهتر آرامیشت روی دیگران شود. می شود از حماقت توده های ها و اکثریتی ها استفاده کرد، همانطور که خمینی استفاده کرد. میتوان علیه مقاومت عادلانه و مردمی به هر لجن پر اکنی و هر توطئه ای مبادرت ورزید، میتوان برای سفیر رژیم رهنمود صادر نمود که خنثی نمودن تبلیغات در خارج از کشور علیه رژیم احتیاج به یک پیگیری مستمر دارد و میتوان کارهای بسیار دیگری نیز انجام داد. بشرط آنکه برونتی "تجارت" و کسب "سود" خللی ایجاد نشود. و برای اینکه همه امور بر این مدار بچرخد، آقای احمد علی بابایی بمثابة یک "معامله گر" با سابقه، حاضر است بهای مناسب و قابل قبول در بازار روز را بپردازد و چنین است که آن اندوخته ناچیز از موقعیت "ایوزیسیون" بودن را در پیشگاه نماینده یک رژیم ارتجاعی، سرکوبگر، ضد انسانی و ضد مردمی به حراج می گذارد. برای اینکه در تجارت ورشکسته نشود، در سیاست اعلام ورشکستگی و افلاس می کند. کار بهمین خاتمه نمی یابد. علی بابایی بازم باید مرز شکنی کند، چه بسا که قول و قرارهای آن بسته شده و در آینده چیزهای بیشتری از آن روشن شود. سال گذشته درگیر و در جنجال های تبلیغاتی علیه مقاومت مردمی و انقلابی، کسی از نامه نگاری آقای علی باباعلی بمثابة یکی از گردانندگان این جنجالها، خبری نداشت. با دجهانی اگر مزایایی برای امثال احمد علی بابایی داشته، شرایطی را هم بوجود آورده که هر چیز را رومی آورد. هر چیز پنهانی را آشکار می کند، این آن چیز است که از شرایط جهانی بسود توده های محروم و ستمدیده جهان است و مسلمانان کشور ما از شناخت عمق رذالت، وقاحت و حقارت آقای احمد علی بابایی ضرر نخواهند دید و بنابراین باید از انتشار این نامه ها توسط ایشان تشکر نمود.

در یافت کند، در خارج می ماند، "معامله" را به هم نمی زند، "مذاکره" را ادامه می دهد و بر اساس فضای ایجاد شده از همین جابه "تجارت" می پردازد. اومی خواهد یک تاجر "محترم" باشد و "سود" شرعی و حلال کسب کند. برای او خوش رقصی در مقابل رژیم و به پستی و حقارت کشانده شدن، هنگامی که کسب "سود" مطرح باشد اساساً قابل اغماض و چشم پوشی است. علی بابایی در تاریخ ۱۸ دیماه ۷۰ نامه دیگری به سفیر رژیم می نویسد که در مجموعه نامه هایی که منتشر شده، سفیر رژیم بدان جواب نداده است.

در نامه اخیر علی بابایی بازم ترس از شکنجه و زندان را مطرح کرده و از اینکه نمی توان در مملکتی که در هر گوشه آن بشکلی تصمیم گیری می شود به امان نامه یک مقام مسئول دل بست، عاجز و لایه می کند و رفتن خود را "در حال حاضر به ریسک غیر معمولی" دانسته و فعلاً خواستار "شرکت در مرکز و انجمنی که مدنظر است" گردیده است. گفتیم که سفیر رژیم به این نامه جواب نمی دهد. اما در جواب نامه قبلی به علی بابایی نوشته بود که مرکزی برای تبادل نظریاً "ایرانیان" از طرف سفارت ایجاد شده و خواستار مشارکت علی بابایی در این مرکز شده بود. معلوم است که چنین مرکزی از جانب رژیم، یعنی یک شاخه از اسامای رژیم که برای توطئه گری علیه مقاومت عادلانه مردم ایران ایجاد شده است و طبق اعلام آماجگی علی بابایی برای شرکت در این "مرکز و انجمن" از جوهر و ماهیت ارتجاعی و ضد مکر اتیک ایشان ناشی می شود. گفتیم که هدف از نگارش این نامه ها، گشایش باب "معامله" با رژیم و استفاده از فضای که برای تاجر "محترم" در غارت اموال مردم ایجاد شده است. گفتیم که علی بابایی فعلاً ترجیح می دهد "ریسک" رفتن به ایران را نپذیرد، چرا که "زندان و شکنجه" واقعی است و او که تاجر هم عیار خود در داخل کشور را که اکنون حاکم هستند بخوبی می شناسد و می داند که به هیچ قول و عهد خود وفا دار نبوده و در هر لحظه ممکن است خط بطلان بر هر امضای خود بکشد. اما به نکته دیگری هم باید توجه کرد. علی بابایی ضمناً خریدن دیدهای بعضی بازاری های سنتی که لباس "مدرن" به تن می کنند و از "بازار" به "خیابان" اسباب کشی می کنند را دارد. او هم بسک بازاری جا افتاده است و هم می خواهد ادای سرمایه داران امروزی را در آورد. هم می خواهد از منافع تجارت و معامله با رژیم بهره مند شود و هم می خواهد از سودن در ایوزیسیون سود جوید. اومی خواهد در لحظه ای از منافع بخش دوم دست بشوید که در اولی جایگاه محکمی داشته باشد و بنابراین سعی می کند در این دوران گذار تحت عنوان "ایوزیسیون" هر چه می خواهد علیه ایوزیسیون واقعی رژیم، یعنی مقاومت عادلانه مردم ایران توطئه گری کند. مسلم است که مناسبات بین آقای علی بابایی و رژیم به همین جا خاتمه نیافتاده است. مسلم است که بخشی از مذاکرات شافها و از طریق نماینده سفیر رژیم اندر ملاقات به آقای علی بابایی "گوشزد" می شود. و مسلم است که دل سوزی آقای علی بابایی برای جوانانی که به زعم ایشان "ناآگاهانه" در ارتش آزادیبخش ملی ایران برای رهایی میهن ما و برای استقرار صلح، آزادی، دموکراسی و پیشرفت اجتماعی مبارزه می کنند، از کوندی و یاساده لوحی

از صفحه ۲

مجمع روحانیون مبارز و دیگر نیروهای خط امامی از شرکت در انتخابات انصراف دهند. لیکن بدنبال دیدار مقام رهبری و آقای کروبی مجمع روحانیون مبارز جلسه‌ای تشکیل دادند که در پایان آن بیانیه زیر را صادر کردند.

ملت شریف و بزرگوار ایران:

آنچه در مراحل برگزاری انتخابات دوره چهارم تاکنون رخ داده، ادامه جریان خطرناکی است که از ماههای پیش آنرا به استحضار مقام معظم رهبری رسانده ایم و در مراحل مختلف نیز بیان کرده و نسبت به آن به جامعه هشدار داده ایم. جریانی که امروز با توسل به شیوه‌های ناپسند غیر شرعی و غیر عادلانه می‌کوشد تا حق مردم را بصورتی آشکار زیر پاگذارد و به دلایل واهی حیثیت و سوابق افراد شناخته شده و سالم را لکه دار کند و به رقیبیتی، مخالفان نظرومشی خود ولو اینکه مورد تأیید امام نیز بوده‌اند از صحنه حذف کند. آن جریان نه نماینده تمام مردم است و نه در انقلاب پیش از دیگران نقش داشته، بلکه نظرات و روش های آنان در موارد متعدد مورد تخطئه حضرت امام قرار گرفته است.

بارها گفته ایم در نظام ماکه پس از اسلام پایه مهم دیگر آن "جمهوریت" است. اگر کسانی بهر انگیزه‌ای بکوشند تا حق انتخاب مردم را به ناروا محدود کنند و با تمسک به مشروعیت نهادهای قانونی و سوء استفاده جناحی و بانندی از این نهادها کاری کنند که رقیبان خود را ولو اینکه سالم باشند، پیش از اینکه مردم امکان اظهار رأی و نظر داشته باشند، نه تنها از صحنه خارج کنند بلکه در همه آبرو و سوابق و خدمات آنان به انقلاب و نظام خط قرمز کشند، مصلحت اسلام و انقلاب زیر پا گذاشته‌اند. روش و رفتار آنان مقدمه استقرار رویه‌ایست که جزبی اعتباری قانون اساسی و دل‌سردی مردم و کناره ماندن آنان از سرنوشت وجدایی حکومت از ملت نتیجه نخواهد داشت.

سیر تعیین هیاتهای نظارت در سراسر کشور از قریب یکسال پیش و انتخاب نوع آنان از میان وابستگان به یک جریان فکری و سیاسی نشان می‌دهد که از آغاز قصد و برنامہ برای حذف عده کثیری از افراد جریان دیگر بوده است. و چیزی که اینک رخ داده تلاش برای پیدا کردن بهانه برای رد صلاحیت آنان و صورت قانونی دادن به این حذف بدون استناد به دلایل محکم و مستند است. با مینا قرار دادن این اصل نادرست غیر قانونی که باید "صلاحیت نامزدها احراز شود" دست متمدیان را در اعمال خواسته خود باز گذاشته است.

جوتبلیغاتی سنگین یک طرفه که طی روزهای گذشته، (و طبعاً در آینده) بخصوص در صدا و سیما و رسانه‌های رسمی به زبان یک جریان در جامعه ایجاد شده است و رواج شایعات و ناسزاکو شایعات مختلف و در سطح جامعه همگی نشان از آینده‌ای می‌دهد که به هیچوجه از آنچه تاکنون پیش آمده است امیدوارکننده‌تر نیست. آنچه برای ما اهمیت دارد لزوم احترام به حق مردم و وجود جوسالم و آزادور عایت عدالت در انتخابات است. در چنین جوی حتی اگر یک نفر از دوستان ما و طرفداران اندیشه و مشی مورد قبول ما هم انتخاب نشوند کوچکترین اعتراضی به انتخابات نخواهیم داشت. ما آنچه قابل قبول نیست اینک جریان خاصی

با اعمال روشهایی که با روح قانون و انقلاب و حقوق مردم ناسازگار است بخواهند جلوی ورود طبیعی عده ای از خدمت گذاران اسلام و مردم را به مجلس بگیرد و به این طریق اکثریت جناح خود را به مجلس تحمیل کند. ما معتقدیم که افراد ناصالح و غیر متمهد، حق ورود به خانه ملت ندارند. اما آنچه مهم است اینک عدم صلاحیت و عدم تمهد، مستند به دلایل کافی و بر اساس موازین شرعی و قانونی و حقوقی مشخص باشد و معتقدیم که روند جاری از این جهت جدا مورد سوال و غیر مقبول است. ما پیش بینی می‌کنیم که روند موجود به همین خاتم نمی‌شود. بلکه جریان مورد ذکر، در مرحله بعد نیز خواهد کوشید تا با ابطال صندوق هایسی که احتمالاً نتیجه‌ای خلاف دلخواه آنان داشته باشد. بیشتر به خواسته نهایی خود نزدیک شود و با توجه به تشکیل هیات های نظارت، امکان چنین پیش آمدی بسیار قوی و جدی است. ما معتقدیم جریان مذکور در آینده در تمامی مراحل مخالفان سابق خود را مورد تاخت و تاز قرار خواهند داد و هر شیوه‌ای را در جهت ملکوک کردن شخصیت آنان و حذفشان از صحنه بکار خواهند گرفت. اما با اینهمه ما به این انقلاب عظیم بی‌ایتمن اه و خواست پیشوای فقیه امت، خمینی و راه و خسون شهیدان بزرگوار انقلاب و مخالف ملت شریف و مسلمان وفادار بوده هستیم و حتی حاضریم در این راه قربانی

شویم. ما به اصل ولایت پایبندیم و در عمل نیز همواره این را نشان داده ایم. بنابراین با وجود اعتقاد به آنچه در بالا گفته ایم و با وجود شواهد و دلایل محکم و کافی بر صحت مطالب بالا، اینک که مقام معظم رهبری به مراحات نظر خود را مبنی بر شرکت مادر این انتخابات به ما ابلاغ فرموده‌اند و اظهار داشتند که "بر فرض که به شما و دوستانتان در سراسر کشور در این انتخابات جفا شده باشد ما هم مصلحت انقلاب و نظام و کشور ایجاد می‌کند که در انتخابات شرکت کنید" به منظور اعلام وفاداری به نظام و اطاعت عملی از حکم و نظر "ولایت امر" علیرغم مظلومیت خودمان و جفاشی است که به بسیاری از دوستداران امام و انقلاب شده است، مجمع روحانیون مبارز تهران در جلسه نهایی خود به این نتیجه رسید که با معرفی نامزدهای خود و دعوت مردم به مشارکت وسیع در انتخابات دوره چهارم حضور خود را در این صحنه به استحضار ملت بزرگوار ایران برساند. در خاتمه تذکر این نکته را لازم می‌دانیم که چون تعدادی از نامزدهای مورد نظر ما را از صحنه خارج کرده‌اند طبعاً اعلام لیست مورد نظریا تاخیر نسبی صورت خواهد گرفت.

۲۱/۱/۱۲

مجمع روحانیون مبارز تهران



هنرین احتضار
مشکلات خارجی و بحران داخلی رژیم
دولت رفسنجانی و بخش خصوصی،
نگاهی به سرمایه‌گذاری خارجی در ایران
سیر تک‌تبت جمهوری اسلامی
نیکل‌گونه بعد از انتخابات
گزارش نقد، نظر، یادداشت
کاشفاران تا بهمن ۱۳۷۰

نقد و نظر - شماره ۱ - بهمن ۱۳۷۰

سازمان چریکهای فدایی خلق ایران

شورا:

ماهانامه شورای ملی مقاومت ایران شماره ۱ بهمن ماه ۱۳۷۰ همراه با یک ضمیمه که به پیام رادیویی آقای مسعود جوی، مسئول شورای ملی مقاومت ایران بمناسبت سیزدهمین سالگرد انقلاب ضد سلطنتی مردم ایران، اختتامی یافته منتشر گردید.

در این شماره مقالات سیاسی، اقتصادی، گزارش، نقد، نظریه‌پردازی‌های مختلف و متنوعی به چاپ رسیده است.

طبقه کارگر پیشتر از مبارزه برای رهایی

✱ اگر طبقه کارگر امر مبارزه برای سرنگونی رابعده دیگران واگذارد و یاد چار توهمات رفرمیستی در رابطه بارزیم حاکم شود، مسلمانیکبار دیگر این جنبش به پشت صحنه تحولات اجتماعی در ایران رانده خواهد شد

از صفحه ۱

طبقه کارگر، پیشتر از مبارزه برای رهایی جنبش جهانی کارگری امسال در شرایط ویژه‌ای، به استقبال اول ماه مه روز بین المللی کارگران می‌رود. طبقه کارگر بیش از صد سال است که در روز اول ماه مه، قدرت و نیروی مداخله‌گر خود را به نمایش می‌گذارد. در چهار گوشه جهان، طبقه کارگر در این روز نشان می‌دهد که تاجه اندازه به آگاهی طبقاتی دست یافته و به چه میزان متشکل شده و چقدر در تحولات سیاسی و اجتماعی نقش دارد. از روزیکه مبارزه کارگران شیکاگو به خون کشیده شد، تا امروز، سرمایه‌مداری هر روز علیه جنبش طبقه کارگر به انواع شیوه‌های سرکوبگرانه و توطئه‌گرانه دست زده است تا این جنبش را از محتوی طبقاتی و پیشروی خود تهی سازد. در این راه جای انکار نیست که در موارد بسیار به علت ضعف آگاهی طبقه کارگر، بورژوازی جهانی توانسته به اهداف خود دست یابد. اما مارش ظفر نمونی که جنبش جهانی کارگران از پیش از صد سال قبل آغاز نموده در مسیر پرتلاطم خود در مقاطع بسیار، بنای کاخ ستمگران و چپاولگران را به لُـرزه در آورده است. طبقه کارگر، به مثابه تنها طبقه‌ی تا آخر انقلابی، رسالت رهایی انسان از قید استعمار را به عهده دارد، اما این طبقه نمیتواند این رسالت را به انجام برساند مگر اینکه آگاه و متشکل شود و به نیروی واقعی خود واقف شود. طبقه کارگر از آنجاکه هیچ منافعی در ستم به دیگر طبقات و گروه‌های اجتماعی ندارد، مقدرات تاریخی عمر کنونی، این طبقه را بر محور تکامل جامعه بشری قرار داده است. اما طبقه کارگر باید به این حقیقت دست یابد که رهائی اش، تنها به عهده خود اوست. هیچ نیروی دیگری نمیتواند، طبقه کارگر را رها سازد. تجربه جنبش جهانی کارگری نشان داده که طبقه کارگر آگاه و متشکل که به نیروی خود متکی است، میتواند مهر خود را بر تحولات اجتماعی بزند و نگذارد گرایشات بورژوازی و خرده بورژوازی، این جنبش را به انحراف بکشاند.

امسال طبقه کارگر جهان در شرایطی روز اول ماه را بر گزار می‌کند، که جنبش جهانی کارگری در اواخر شکست "سوسیالیسم موجود" و تعرض ارتجاع جهانی، شکست و عقب نشینی جدیدی را تجربه می‌کند. تحولات چندین ساله اخیر در سبب گرایشات برای طبقه کارگر داشته و نشان داده که تهی شدن جنبش طبقه کارگر از محتوی کارگری و سوسیالیستی آن و حاکم شدن جریان بوروکرات که خود را بجای طبقه کارگر می‌نشانند و بجای آنان تصمیم می‌گیرند، سبب پیشروی سرمایه‌مداری و غصب مواضع طبقه کارگر از طرف بورژوازی جهانی خواهد شد. تحولات چندین ساله اخیر بازم ثابت کرده که طبقه کارگر باید به آگاهی سوسیالیستی دست یابد، باید متشکل شود و بان نیروی

گزارشی از ترکیه

از صفحه ۱

بطرف مرکز شهر آنکارا حرکت می‌کنم. در بین راه تک تک به افراد ایرانی برمی‌خورم که هر کدام خبری دارند. یکی از رانندگان در مباحثه با صحبت می‌کند. نفر دیگری تیغ زدن پنهانده‌ای در مقابل درب یونان در اعتراض به قبول نکردنش از جانب یونان خبر می‌دهد. پیاده بطرف منطقه (اولوس) مرکز تلفن آنکارا سری می‌زنم. مخابرات مرکز پنهانندگان ایرانی است. هر پنهانده‌ای را که بخواهید میتوانید در مخابرات او را پیدا کنید. پنهانده‌های از خانه و کاشانه خود رانده شده به شهرهای مختلف ایران تلفن می‌زنند. هر کدام به نحوی دنبال دستیابی به پول هستند. خانواده‌هایشان را به اشکال مختلف تحت فشار قرار می‌دهند که پولی بایشان بفرستند. در شرایط سختی که برای پنهانندگان ایجاد شده فشار عصبی روز به روز در میان پنهانندگان بیشتر می‌شود. وضع اقتصادی ناموزون کشور ترکیه و تورم سرسام آور در این کشور زندگی را بر پنهانندگان ایرانی سخت و سخت تر نموده است. افراد پنهانده به علت ناتوانی در تأمین مخارج زندگی در دوران پنهانگی قبل از پذیرش از جانب یونان "بعنوان پنهانده تحت پوشش"، در فقیرترین مناطق ترکیه مثل "آلتن داغ" اسکان می‌گزینند. در این منطقه که بخشی از پایتخت این کشور را تشکیل می‌دهد، وضع مردم بسیار ناخوار است. پنهانده‌های ایرانی نیز که با وضع نابسامان مالی و فشارهای متعددی روبرو هستند، تنها امکان را برای گذران زندگی در این منطقه یافته‌اند. شب بعد از گذشتن از چند تپه که در پیرامون آن خانه‌های چوبی درست شده است به منزل دوستم می‌روم. درب خانه را بعد از مدتی آرم. قبل از باز کردن در، با صدای بلند می‌گویم: کیه؟ جواب می‌دهم که خودم هستم. بعد از اطمینان از آشنای بودن صدا، می‌شنوم که از پشت در به هم اطاقی‌های می‌گویند، هیتر را از برق بیرون نیاورد. آخر پنهانده‌ها که با وضع سختی روبرو هستند برای گذران زندگی در زمستان مجبور شده‌اند، با توجه به گرانی سرسام آور مواد سوختی، "کنترت برق را دست کناری نمایند تا از مصرف برق جلوگیری نموده خانه را گرم نگه دارند. کمتر منزلی را می‌بینید که پنهانده‌ها برق خانه را با روش‌های مختلف دستکاری ننموده باشند. و به قول معروف برق "آتاتورکی" نباشد. بعد از اینکه وارد منزل می‌شوم، بایک اطاق نسبتاً تاریک روبرو می‌شوم. نور برق بسیار ضعیف است. گلیمی کهنه را کف اطاق پهن نموده و برای جلوگیری از سرما پتوهای بی‌نیزه که برای خواب خریده‌اند بر روی گلیم انداخته‌اند. می‌پرسم: شب سردتان نمیشود؟ یکی از دوستانم که دیسک کمربند دارد در جواب با خنده‌ای که آکنده از درد ورنج است می‌گوید: تا صبح ندانن هایمان موزیک می‌زند و چه خوب گفته‌اند که سرما دشمن فقر است و پراستی زمستان، آنهم زمستان کشور ترکیه برای پنهانده‌های از یارودیار خود رانده شده بسیار سخت و کشنده است. یک روز صبح تصمیم می‌گیرم که سری به جلوی دفتر مرکزی یونان در منطقه "جانکایا" بزنم. با اتوبوس بعد از نزدیک به ۴۰ دقیقه به محل می‌روم. از دور نگاه می‌کنم، تجمع پنهانده‌ها را مشاهده می‌کنم. نرسیده به

در صفحه ۱۱

خلق مسلح و سازمان یافته در ارگانهای توده‌ای شکست ناپذیر است

برخی از رویدادهای تاریخی

از صفحه ۱۲

رساندن محمد تقی اقدام دوست، علی بلندی، هرمز نیک راه، سبزی علی محمدپور، محمدتقی محبوب کار ۱۳۳۷/۲/۲۱ - شهادت انقلابی دلیر و فرزند قهرمان مردم ایران، خسرو روزبه ۱۳۳۸/۲/۱۵ - درگذشت شاعر مبارز محمدعلی افراشته ۱۳۴۰/۲/۱۲ - اعصاب معلمان ایران و شهادت دکتر خانعلی (روز معلم)

۱۳۴۷/۲/۱۲ - شهادت انقلابیون قهرمان، کساک اسماعیل شریف زاده و یارانش کاک محمد شادمانی، کاک حسین رحمانی، کاک علی عبدالله کول در مبارزه علیه رژیم محمد رضا شاه در کردستان ایران ۱۳۴۷/۲/۱۵ - شهادت فرزند قهرمان خلق کورد، سلیمان مینعی و همزمش خلیل شه و باش بدستور ملا مصطفی بارزانی

۱۳۴۷/۲/۱۹ - شهادت شاعر مبارز و مردمی خلق کورد ملا احمد شلماسی (ملا آواره)

۱۳۵۰/۲/۸ - سرکوب اعتصاب و تظاهرات کارگران کارخانه جهان چیت توسط مزدوران رژیم محمد رضا شاه و شهادت سه کارگر قهرمان وجیه الله چشم افروز، حسن نیکوکار و علی کارگر - سرکوب کارگران منجر به زخمی شدن ۱۴ کارگر این کارخانه گردید.

۱۳۵۴/۲/۱۶ - شهادت رسیدن مجاهد خلق مجید شریف واقفی بدست رهبران جریان آنارشیستی پیکار ۱۳۵۸/۲/۶ - دستگیری مجاهد خلق محمد رشادنتی ۱۳۵۸/۲/۷ - راهپیمایی در تهران به دعوت مادران مجاهد خلق با شرکت ۱۵۰ هزار نفر از مردم تهران ۱۳۵۸/۲/۱۲ - ترور آخوند مطهری توسط گروه فرقان ۱۳۵۹/۲/۱ - سرکوب جنبش دانشجویی توسط رژیم خمینی با طراحی حزب ارتجاعی جمهوری اسلامی تحت عنوان "انقلاب فرهنگی"

۱۳۵۹/۲/۱۴ - شهادت سیاوش شمس یکی از پرسنل مردمی ارتش بدست چماقداران و مزدوران خمینی در اصفهان

۱۳۶۰/۲/۳۰ - شهادت یکی از مادران مجاهد خلق بنام سکینه چاقوساز ایران در اثر ضرب و شتم چماقداران خمینی

۱۳۶۱/۲/۱۲ - شهادت مجاهدین قهرمان، محمدضابطی نصرت رمفانی، قاسم باقرزاده، حمید جلال زاده، سوسن میرزایی، پیری یوسفی، زکویه محدث، احمد کلاهدوز، هادی توانائییان فرد، حسین امیر پناهی، اقدس تقوی، امیر آق بابا

۱۳۶۱/۲/۱۹ - شهادت مجاهدین خلق، فاضل مصلحتی حسین جلیلی پروانه، مهدی خانبالی، علی انگینی، حمید لولاچیان، حسین کلکته چی، زهرابطباطیاسی، بهرام قاسمی، زهرا شیخ الاسلام و... در یک درگیری قهرمانانه با پاسداران سرکوبگر رژیم خمینی

۱۳۶۱/۲/۲۶ - شهادت مادر قهرمان مجاهد خلق، عالییه بازارگان و جمعی دیگر از رزمندگان مجاهد خلق ۱۳۶۱/۲/۲۷ - شهادت ۱۰ تن از کارمندان رادیو و تلویزیون ایران به جرم حمایت از مجاهدین خلق ایران

۱۳۶۲/۲/۲۸ - شهادت مبارز قهرمان کاک عبدالله بهرامی از اعضای کمیته مرکزی حزب دمکرات کردستان ایران و جمعی دیگر از همزمانش

روزهای تاریخی

اول ماه مه برابر با ۱۱ اردیبهشت - روز همبستگی بین المللی کارگران

۱۲ اردیبهشت - روز معلم

رویدادهای خارجی از ۲۱ آوریل تا ۲۱ مه

۵ مه ۱۸۱۸ - تولد بزرگترین اندیشمند تاریخ معاصر و پایه گذار سوسیالیسم علمی، کارل مارکس

۲۲ آوریل ۱۸۷۰ - تولد لنین

۱ مه ۱۸۸۶ - قیام کارگران شهر شیکاگو در آمریکا زیر شعار "۸ ساعت کار روزانه" و سرکوب قیام کنندگان ۱۸۹۰/۴/۱۹ - تولد هوشی مین

۱۹۱۵/۴/۲۵ - قتل عام ۱/۵ میلیون از آرامنه توسط رژیم ترکیه

۱۹۲۷/۵/۴ - آغاز مقاومت مسلحانه علیه امپریالیسم و ارتجاع در نیکاراگوئه به رهبری ساندینو

۱۹۳۸/۴/۲۱ - درگذشت علامه اقبال لاهوری

سرکوب کردها در ترکیه

از صفحه ۱

مدهانفرگشته و زخمی شدند سرکوب جنبش ملی در کردستان ترکیه، سابقه بس طولانی دارد، کردها در ترکیه، حتی در خانه های خود نمی توانسته اند به زبان کردی حرف بزنند و این حق ابتدایی از کردهای ترکیه باشتدیدترین سرکوب ها گرفته شده است بطوریکه جوانان و نوجوانان کرد در ترکیه، اصولاً نمی توانند به زبان مادری خود حرف بزنند، امپس از آنکه ترکیه وارد جبهه متحدین شد تورگوت اوزال به بعضی از حقوق اولیه کردهای ترکیه که از آنان غصب شده، اعتراف نمود و قول داد که پس از پایان جنگ به عقبوب کردها رسیدگی نماید، شکست عراق در جنگ با آمریکا و متحدین و پس از آن خیزش جنبش ملی در کردستان عراق، سبب گسترش فعالیت های سیاسی و نظامی نیروهای مخالف در کردستان ترکیه گردید، در این وضعیت آمریکا که برای مردم کردستان عراق دما زد دفاع از حقوق بشر می زد، از سرکوب کردهای ترکیه رسد دفاع نمود و خواستار سرعت عمل دولت ترکیه در سرکوب کردها شد بطوریکه ترکیه با چراغ سبز آمریکا چندین بار بخشی از کردستان عراق را بمباران نمود و بنابه گفته خبرگزاری ها و نیروهایی که در عراقی، در این بمباران ها به مردم بی دفاع نظامی لطمانت زیادی وارد شده است. در جریان انتخابات اخیر ترکیه، سلیمان دمیرل و حزب او در تبلیغات انتخاباتی خود، قول می داد که در صورت رسیدن بقدرت، در حل مساله کردستان روش انعطاف پذیری انتخاب کند، اما وی پس از انتخاب و با اوج گیری جنبش ملی در کردستان ترکیه، شیوه سرکوب را انتخاب و هرگونه راه حل سیاسی را در این رابطه مردود دانست و اعلام نمود که حاضر به هیچگونه مذاکره با حزب کارگران کردستان نیست. "حزب کارگران کردستان" گرچه در انتخابات ترکیه رسد شرکت نکرده بود، اما با حمایت از یک سازمان علنی کردی که در اتحاد با حزب سوسیالیست قرار داشت، پیروزی چشمگیری بدست آورد. حمایت علنی نمایندگان انتخاب شده از منطقه کردستان از "حزب کارگران کردستان" و نیز حمایت توده ای از این حزب همراه با فعالیت های تبلیغاتی در سراسر اروپا توسط فعالین و هواداران حزب

۱۹۲۵/۴/۳۰ - تصرف بنای ریاستشک (مقر قانون گذاری هیتلر) توسط سربازان ارتش سرخ اتحاد شوروی

۱۹۲۵/۵/۸ - پایان جنگ جهانی دوم پس از شکست فاشیم هیتلری و آزادی بسیاری از کشورها از سلطه فاشیم و منجمله چکسلواکی و آلمان شرقی

۱۹۴۸/۵/۱۵ - اشغال سرزمین فلسطین بایورش گسترده صهیونیست ها و پشتیبانی دولت انگلیس

۱۹۵۴/۵/۷ - آغاز نبرد دین بین فو و پیروزی ارتش آزادیبخش ویتنام در شمال این کشور

۱۹۶۵/۴/۲۸ - تجاوز آمریکا به جمهوری دومینیکن

۱۹۶۸/۵/۲ - آغاز جنبش مه ۶۸ فرانسه

۱۹۷۴/۴/۲۵ - انقلاب پرتغال

۱۹۷۴/۴/۳۰ - انقلاب پیروزی انقلاب ویتنام

۱۹۷۸/۴/۲۷ - انجام کودتای افغانستان

۱۹۸۰/۵/۱۸ - تاسیس جبهه دموکراتیک انقلابی السالوادور (فارا بوندومارتی)

۱۹۸۱/۵/۵ - شهادت بابی ساندز از رهبران آزادیخواه جنبش ایرلند، پس از اعصاب غذایی ۶۵ روزه در زندان

کارگران ترکیه، سبب مطرح شدن این حزب و جسدی بودن آن شده است. رهبر حزب کارگران ترکیه طی مصاحبه هایی (که یک نمونه آن در شماره قبل نبرد خلق چاپ شده است) اعلام نمود که در صورتی که دولت جدید ترکیه و اقاخواهان حل مساله کردستان است، حاضر به قبول یک آتش بس با دولت ترکیه نخواهد بود، اما دولت ترکیه که در مقابل کردهای این کشور سیاستی سرکوب گرانه و شونیستی داشته دارد، با سرکوب تظاهرات نوروز امسال، نشان داد که حاضر نیست حقوق ملی کردهای ترکیه را به رسمیت بشناسد. همچنین سرکوب های اخیر توسط رژیم ترکیه و حمایت علنی و آشکار دولت آمریکا از این سیاست سرکوبگرانه نشان می دهد که "مهدردی های" آمریکا با کردهای عراق، نه بر اساس تأییدیه رسمیت شناختن حقوق ملی کردها، بلکه بر اساس موضع کنونی آمریکا در قبال دولت عراق صورت می گیرد. و گر نه هیچگونه دلیلی وجود ندارد که در مورد یک مساله مشخص دولت آمریکا اینگونه مواضع متناقض اتخاذ نماید و فهممتر اینکه هم آمریکا و هم بعضی کشورهای اروپایی که خواستار رعایت حقوق بشر در قبال کردهای ترکیه هستند، در قبال سرکوب کردهای ایران، توسط رژیم آخوندی، سکوت اختیار می کنند. در این میان یقه درانی کیهان سلطنت طلب و مقاله نویسی کهنه کاران یعنی کتانه سلطانی مزدور جالب است. کتانه سلطانی و سلطنت طلبان دیگر که با یک اشاره آمریکا میدان را خالی کردند و فرار را برقرار ترجیح دادند، وقتی مردم کردستان از حقوق خود حرف می زنند، بیادون می افتند و هرگونه سرکوبی را در این مورد تشویق می کنند. کافیت مقاله "کردستان، ازت پدرم است" از کتانه سلطانی مزدور که در شماره ۱۳ فروردین ۷۱ کیهان سلطنت طلب چاپ شده مورد توجه قرار گیرد، تا عمق مواضع ضد انسانی و ضد دموکراتیک این ورشکستگان به تقصیر هر چه بیشتر روشن شود. کتانه سلطانی مزدور، سیاست سرکوبگرانه دولت ترکیه را تأیید و خواستار این شده که هر رژیمی که در ایران حاکم باشد (مسلماً رژیم آخوندی کنونی که فعلاً حاکم است) در مقابل طرح حقوق ملی مردم کردستان، سیاست قاطع سرکوب را پیش بگیرد. وقتی مزدور بی وطنی دم از وطن می زند، آدم را بیاد آن دزدی می اندازد که فریاد آبی دزدی دزد سر می داد.

از خبرنامه داخلی رژیم

از صفحه ۱

توضیح نبرد خلق:

دفتر هشتم انتشارات "اندیشه و پیکار" که در دیماه ۱۳۷۰ منتشر شده و حاوی برگزیده‌های از خبرنامه داخلی رژیم است، گوشه‌ای از وضع اسرای جنگی را چاپ کرده است. این گزارش نشان دهنده برخورد سران رژیم با کسانی است که روزگاری از آنان بشنای اهداف جنگ ضد مردمی خود استفاده کرده‌اند. این گزارش در شماره ۹۳ خبرنامه فرهنگی - اجتماعی رژیم چاپ شده است.

گزارش‌های رسیده حکایت از آن دارند که علیرغم وعده‌های زیاد مسئولان سازمانها، نهادهای و افسران مختلف برای رسیدگی به مشکلات آزادگان، مشکلات اقتصادی و مسائل روزمره زندگی، گروهی از آزادگان رابه شدت رنج می‌دهد.

این مشکلات برای بعضی از آزادگان به اندازه‌ای است که بعضا شنیده میشود آرزوی مرگ دارند. ویساتصورات دیگری در افکار آنان ظهور می‌کند. ناسامانی وضعیت نامطلوب معیشتی آزادگان، اگرچه ممکن است گریبانگیر عده‌ای از آنان باشد، ولی به یقین آزادگانی که قبل از اسارت زن و فرزندانی داشته‌اند، مشکلاتشان بعد از آزادی دوچندان شده است، بویژه کسانی که مدت‌های طولانی در اسارت بوده‌اند.

به گزارش خبرگزاری جمهوری اسلامی، یکی که نه سال در اسارت عراقی هابسربرده، در این باره می‌گوید: "من جزء کسانی هستم که از امکانات دولت در رابطه با آزادگان استفاده نکرده‌ام، و در حال حاضر نیز نیازی به این کمک‌ها ندارم، ولی وقتی به کشور بازگشتم و وعده‌های زیادی را در رابطه با آزادگان شنیدم در ذهنم این بود که همه چیز به آزادگان می‌دهند، و خلاصه دوران اسارت آنان را برمی‌کنند. البته توقع نداشتم که بعد از هشت سال جنگ، مشکلی در کشور نباشد ولی باتوجه به وعده‌های پی در پی مسئولین، رفع نیاز معقول و ضروری آزادگان امری اجتناب‌ناپذیر به نظر می‌رسد".

آزاده دیگری که تمایل داشت نامش ذکر نشود گفت: کسی را می‌شناسم که با داشتن زن و دو فرزند حدود هشت سال اسیر بود. وی قبل از اسارت، کارگری می‌کرده و از طریق بیسج به جبهه رفته است. وی در مدتی که اسیر بوده تمام زندگیش را برای مخارج فرزندانش فروخته - اند، حال که برگشته با کوهی از مشکلات روبرو شده است. طلبه آزاده، علی احدی که باستاد آزادگان نیز همکاری می‌کند، گفت: باتوجه به مشکلات عدیده آزادگان، به این نتیجه رسیده‌ام که اگر نسبت به رفع مشکلات آزادگان کوتاهی شود، بسیاری از آنان سرخورده خواهند شد و چه بسا که آنان را از دست بدهیم. وی بر خورد ادارات را با آزادگان نامطلوب خواند و متذکر شد: امروز آزاده‌ای که تحت سخت‌ترین شرایط، زندگی را در دوران اسارت طی کرده، و توهین‌های دشمن رابه عشق اسلام و کشورش بجان خریده، نتوانسته حتی بعد از اسارت به وضعیت خانواده اش رسیدگی کند، در برابر زن و فرزند خجالت زده است.

و در گوشه‌ای برای تسکین قلبش گریه می‌کند و بی‌اسپردگی مضاعفی براو چیره می‌گردد.

یک آزاده، بسیجی دیگری که خود نیز در ستاد آزادگان فعالیت دارد، با اشاره به این که در میان آزادگان افرادی بسیار زیاد شده است، گفت: فرمهای تقاضای اشتغال بسیاری در اینجا جمع شده، ولی شغلی برای متقاضیان وجود ندارد.

وی که هفت سال اسیر بوده و جانباز نیز می‌باشد، با تاکید بر این که به درمان آزادگان رسیدگی نمی‌شود، افزود: بعضی از آزادگان بخاطر مشکلات مادی بیماران را نیز فراموش کرده‌اند.

وی افزود: ستاد، به افراد لاسوز و مدیریشتتری برای رسیدگی به امور آزادگان نیاز دارد. در حالی که بسیاری از آزادگان از بی پولی رنج می‌برند، و بر خورد کارمندان نیز با آنان خوب نیست، بنابراین دولت می‌بایست برای آزادگان کاریابی کند.

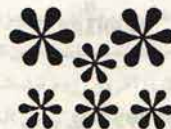
آزاده دیگری گفت: دلالی برای آزادگان بتدریج به یک شغل معمولی تبدیل می‌شود، وی اضافه کرد: چندتن از آزادگان که قادر به یافتن کار در کشور نشده بودند به دنبال این هستند که در ژاپن کار کنند!

آزاده فرج الله خورشیدی دارای همسر و سه فرزند، که نه سال در اسارت بسر برده می‌گوید: باتوجه به شکنجه‌های عراقی‌ها به یازده نوع بیماری دچار شده‌ام، وی افزود: خانواده من در طی این سالها با قناعت و فروش بعضی از وسایل خانه باسرافت زندگی کرده‌اند، و این افتخار برای من بسیار مهم است. ولی امروز که برگشته‌ام، از من توقعی دیگر دارند. لذا باید کاستی‌های اقتصادی مرا به گونه‌ای جبران کنند که کمبودها را رفع و سرافت زندگی‌ام تضمین شود.

وی با اشاره به اینکه از قول‌های بدون عمل به چه‌ها و همسر، شرم‌منده‌ام و در این مدت در مقابل آنها حقیر شده‌ام، گفت: چند شب پیش چراغ خوراک بزی مان فتیله‌اش تمام شده بود. خانم راحتی کیف و جیب به چهار اگشتیم ولی متاسفانه پنج تومان کم آوردیم. در اینجا بود که دادگشیدم و گفتم "ای کاش بر نمی‌گشتم!" وی گفت: دوست دارم مسئولین با دقت، زندگی، وضعیت روحی، جسمی و مشکلات عدیده آزادگان را سرعتر بررسی کرده و به وضع آنان رسیدگی کنند تا سرافت و قداست آنان حفظ شود، و مجبور نشوند پیش هر کس و ناکسی دست دراز کنند.

خورشیدی در ادامه گفت: برایم خیلی دردناک است که حدود ده سال در یک متر جابخواهم، کفشم سیمان کف اردوگاه باشد، لباسم پتو و خوراکمان قوت لایموت، و نیز با پاشیدن کثافت به سر و رویمان و با شکنجه‌های پی در پی دشمن پذیرایی شویم، اما وقتی مشکلم را در مسجدی برای پیشنهاد مطرح کردم گفت: می‌خواهی برایت از مردم پول جمع کنم؟

وی که بغض گلویش را می‌فشرد، گفت: فرزندان من که به آزادی پدرشان در سالهای اسارت بالیده‌اند اگر از این موضوع مطلع شوند چه برداشتی خواهند داشت.



از صفحه ۹

جلوی درب یو. ان قهوه‌خانه‌ای وجود دارد که از وجود یو. ان در این منطقه و تردد وسیع پناهنده‌ها کلی پولدار شده‌اند. پناهنده‌ها روزانه ساعتها در این قهوه‌خانه نشسته و به انتظار دریافت جواب در این قهوه‌خانه مدت زیادی را می‌گذرانند. تعدادی از پناهنده‌ها را در قهوه‌خانه می‌بینم که مشغول بازی و خوردن چای هستند. بانگاهی از آنها می‌گذرم و به جلوی درب دفتر مرکزی یو. ان می‌روم. چند نفر از دوستانم را مشاهده کرده و بعد از احوال‌پرسی می‌گویم چه خبر؟ در جواب می‌شنوم که: تعداد زیادی را یو. ان رد کرده است. و به افرادی سیاسی که از خاک عراق به ترکیه آمده‌اند، اطلاع داده باید به عراق برگردند. اینها همگی افرادی بوده‌اند که بعد از درگیری‌های اخیر در عراق به دلایل مختلف نتوانسته‌اند در خاک عراق بمانند. لازم به توضیح است که تعداد این افراد بیش از ۱۰۰ نفر است. یو. ان در بازگشت این افراد بسیار جدی است. و این بار نیز پناهنده‌های زیادی بعد از تقبل سختی‌های بسیار و بعد از گذراندن ماههای سخت در ترکیه حال باید بدون دریافت نتیجه‌ای به عراق بازگردند. پناهنده‌ها به جنب و جوش در می‌آیند. همانند غریقی که در حال غرق شدن است و خود را به هر خار و خاشاکی می‌زنند، اینها نیز برای قبولی از طرف یو. ان حال به هر دری می‌زنند. مایوس از اینکه خود مایوس از چشم انداز روشن زندگی، روزی شب و شب رابه روز می‌رسند. ظاهراً بحال هیچکدام از این افراد به عراق بازنگشته‌اند. تعداد کمی باتقلای زیاد و باتوجه به امکانات دوستان و آشنایان توانسته‌اند بطور قاچاق به اروپا بروند. ولی اکثریت قریب به اتفاق هنوز بابتکلیف مانده و هر کدام به نوعی منتظر معجزه‌های هستند. وضعیت بد زندگی فشارهای متعددی بان از یکطرف، سرمای سوزناک زمستان که تابن استخوان انسان را عذاب می‌دهد و فشارهای پلیس ترکیه نیز از طرفی زندگی را بر پناهنده تلخ نموده است. پلیس به انحاء مختلف بر پناهنده‌ها فشار می‌آورد. هر هفته تهدید به دیپورت به ایران می‌کند. شب هنگام به منزل پناهنده‌ها رفته به بهانه - های مختلف خانه‌ها را بازرسی می‌کنند. در اعتراض به این اقدامات پلیس به یو. ان اطلاع داده میشود که ما امنیت نداریم. و پلیس هر لحظه فشار را بر ما می‌کند و شما کاری نکنید! مقامات یو. ان با گفتن اینکه ما متاسفیم که پلیس این کارها را می‌کند شانه خود را از زیر بار مسئولیت خالی میکند. هر هفته طبق تصمیم پلیس تعدادی از پناهنده‌ها به شهرستان‌های مختلف تقسیم شده و باید اجبارا در این شهرها که پلیس تعیین می‌کند مسکن گزینند. یک روز پلیس با اعلام کرد که فردا صبح برای تقسیم به درب امنیت سرا برویم. به ما در آنجا اعلام شد که به شهرهای مختلف فرستاده می‌شوید. پول کرایه ماشین را باید پرداخت کنید. هر نفر بایستی سی هزار لیر ترکیه می‌دانند و تازه پول کرایه پلیس همراه هم با ما بود. بعد از آنجا ۵ ساعت به شهر مربوطه می‌رسیم. سر ما پیدا می‌کند. ما را به مرکز پلیس می‌برند هر کس دوستی داشت، پلیس وی رابه منزل دوستش فرستاد و هر کس جایی نداشت او را روانه هتل کردند. انسان برای یک لحظه فکرمی‌کند که در عالم برزخی قرار گرفته. ناچار اسکوئی طو لاتی می‌کنی، به چهره هر نفر که نگاه می‌کنی سرا وجودش سرشار از خشم و کینه است. مسب تمام این مسائل رژیم جنایتکارا خون‌ریز است که میلیونها نفر را واره دیار غربت نموده است.

نظام

پیروز باد مبارزه قهرمانانه خلق کرد برای آزادی و خودمختاری

اخبار و رویدادها....

برخی از رویدادهای تاریخی

اردیبهشت ماه

۱۲۵۸/۲/۲۹ - تولد دکتر محمد ممدق رهبر فقید جنبش دمکراتیک مردم ایران برای ملی شدن صنعت نفت در سراسر کشور
 ۱۲۷۰/۲/۲۵ - لغو امتیاز تنباکو بدنیاال اعتراضات مردمی و تحریم استفاده از تنباکو توسط آیت الله میرزا حسن شیرازی
 ۱۲۹۶/۲/۲۳ - تشکیل حزب عدالت ایران
 ۱۲۹۹/۲/۱۱ - انجام نخستین نمایش کارگری در ایران بمناسبت اول ماه مه (در شهر تهران) به ابتکار شورای مرکزی اتحادیه کارگران که از ۱۵ اتحادیه تشکیل می‌شد.

۱۳۰۸/۲/۱۴ - اعتصاب سه روزه نفتگران جنوب تحت رهبری حزب کمونیست ایران و تظاهرات ۲۰ هزار نفری مردم در حمایت از اعتصاب نفتگران
 ۱۳۱۰/۲/۱۰ - اعتصاب کارگران کارخانه نساجی وطن در تهران

۱۳۱۶/۲/۸ - بازداشت گروه ۵۲ نفر توسط رژیم فاسد مردمی رضا خان
 ۱۳۲۳/۲/۱۱ - تشکیل شورای متحده مرکزی اتحادیه - های کارگران و زحمتکشان ایران

۱۳۲۵/۲/۲۰ - اعتصاب ۱۰ هزار نفری نفتگران آغاچاری
 ۱۳۲۰/۲/۲ - اعتصاب کارگران نفت جنوب و اعلام حکومت نظامی در منطقه جنوب از طرف حکومت شاه

۱۳۲۰/۲/۹ - تصویب قانون "خلع ید" از شرکت نفت انگلیس در مجلس و تشکیل دولت مترقی دکتر محمدق

۱۳۳۲/۲/۶ - شهادت افسار طوس رئیس شهربانی سی حکومت مثنی دکتر مصدق بدست ایادی ارتجاع در باربیلوی

۱۳۳۲/۲/۱۸ - شهادت انقلابی دلیر و ارطمان سالخیزان (نازلی) در زیر شکنجه‌های دژ خیمان رژیم مزدور محمد رضا شاه

۱۳۳۲/۲/۲۲ - کشتار جمعی زندانیان سیاسی زندان رشت بوسیله مزدوران رژیم محمدرضا شاه و شهادت

در صفحه ۱۰

نابیند شدن يك بازرگان سوئیس در ایران

وزارت خارجه سوئیس اعلام کرد که یکی از بازرگانان این کشور بنام هانس بوهلر که در ایران بسر می‌برده توسط عواملی ناشناس ربوده شده است. بنابه گفته مقامات مطلع این کشور، این فرد چندی پیش قصد داشته از ایران خارج شود. رژیم خمینی در ابتدا از اعلام این خبر خودداری کرده بود. به گنجزارش خبرنگاری فرانسه، نابیند شدن این بازرگان احتمالاً در ارتباط با دستگیری تروریست ضیا سرحدی که در دست پلیس سوئیس گرفتار است، می‌باشد و ایران می‌خواهد با این عمل دولت سوئیس را تحت فشار قرار دهد تا از تحویل ضیا سرحدی به پلیس فرانسه که حکم دستگیری او را صادر کرده است جلوگیری به عمل آورد. بعد از گذشت چند روز، دادسرای نظامی رژیم ضمن اعلام دستگیری این بازرگان اعلام کرد که جیسم وی "ارتباط غیر مجاز با پرسنل نیروهای مسلح جمهوری اسلامی" است. از ظواهر امر چنین بر می‌آید که رژیم خمینی طبق روال همیشگی این فرد را در مقابل دیپلمات - تروریست خود که در سوئیس به جرم همکاری در قتل زندانی است، دستگیر کرده است.

تحریم نمایشگاه بین المللی کتاب در تهران

در رابطه با فتوای جنایتکارانه قتل سلمان رشدی توسط خمینی جلال و تاکید بر غیر قابل برگشت بودن این فتوا، موج اعتراض جهانی بر علیه رژیم خمینی هم چنان ادامه دارد. به تازگی ۵۰ نفر از نویسندگان و شخصیت‌های سرشناس ادبی فرانسه از جمله کلود سیمون برنده جایزه نوبل ادبی در اطلاعیه‌ای خواستار تحریم نمایشگاه بین المللی کتاب در تهران، از سوی ناشران فرانسوی شدند.

همکاری رژیم با قاچاقچیان اسلحه در اسپانیا

بدنبال کشف يك شبکه بین المللی قاچاق اسلحه در مادرید، پایتخت اسپانیا، پلیس این کشور بعد از تحقیقات اولیه اعلام کرد که رژیم خمینی با این شبکه همکاری نزدیک داشته است. پلیس اسپانیا رهبر این شبکه قاچاق اسلحه را "علی کاشانی" اعلام کرد.

معافیت مشمولان

رژیم درمانده خمینی اعلام کرد که کلیه مشمولین نظام وظیفه‌ای که تا تاریخ اسفندماه ۶۷ از ایران خارج شده اند می‌توانند با پرداخت ۱۶۶۰۰ دلار، بطور دائم از خدمت نظام معاف گردند. این ترفند تازه رژیم که بمنظور اخاذی بیشتر ارائه گردیده در صورت موفقیت می‌توانست تا ۲ میلیارد دلار به جیب آخوندها سرازیر نماید ولی از شواهد پیداست که این مضحکه بابی در صفحه ۲



برای فتح قله‌های
 پر صلابت عشق؛
 عشق به آزادی؛
 عشق به مردم؛
 عشق به برابری؛
 یامرگ یاپیروزی

شهادت فدایی
 اردیبهشت ماه

رفقای فدایی :

شیرین فضیلت کلام هادی فرجاد پزشک عبدالله پنجه شاهی - علی اکبر (فریدون) جعفری - مرضیه احمدی اسکویی - هیبت الله بهرامی - کاظم سعادت - خلیل سلمانی نژاد - محمود نمازی - لادن آل آقا - مهرنوش حاتمی - محمدرضا واحمد رضا قنبرپور - فرزاد دادگر - عزت غروی - روزنگ و ناصر شایگان شام اسبی - فرهاد صدیقی پاشاکی - قربانعلی زرگاری - جهانگیر باقرپور - رضا نعمتی - بهروز ارمنانی - اسماعیل عابدی - زهره مدیر شانه چی - حسین فاطمی - میترا بلبل صفت - علیپیرضا باصری - نسرین پنجه شاهی - حبیب الله مومنی - منصور فرشییدی - محمود خرم آبادی - مطنی حسن پوراصیل - فریده غروی و مقصد پیرام زاده از سال ۵۰ تا کنون، بدست رژیمهای شاه و خمینی بشهادت رسیدند.

برای دریافت نبرد خلق و سایر انتشارات
 سازمان با آدرس زیر مکاتبه کنید

NABARD
 B.P 20
 91350 GRIGNY CEDEX
 FRANCE

با کمیت‌های مالی خود سازمان را در
 انجام وظایف انقلابی یاری رسانند

هم میهنان مبارز
 سازمان ما برای گسترش مبارزه مسلحانه انقلابی علیه رژیم خمینی به کمک‌های مالی شما نیازمند است.
 کمک‌های مالی خود را به هر میزان که باشد، مستقیماً بدست ما برسانید و بابه حساب بانکی سازمان مندرج در همین صفحه نشریه واریز کرده و قبضه رسید آنرا به آدرس صندوق پستی سازمان در فرانسه ارسال کنید.

حساب بانکی

SOCIÉTÉ GÉNÉRALE نام بانک
 BOULOGNE - S - SEINE آدرس بانک
 03760 کد گیشه
 00050097851 شماره حساب
 MME; R - T - TALAT نام صاحب حساب

برای دریافت نبرد خلق و سایر انتشارات سازمان
 با آدرس‌های زیر مکاتبه کنید.

امریکا
 HOVE, YAT
 P.O BOX 2891
 RESTON, VA 22090
 U.S.A

دانمارک
 HOVIAT
 POST RESTANTE
 MIMERS GADE 118
 2200 DANHARK

آلمان غربی
 P.L.K
 Nr. 039999 D
 5000 KOLN 1
 W.GERMANY